



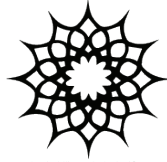
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
رژیم دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده مقالات همایش

تکنولوژی و فرهنگ: تأملات انتقادی بارویکردهای فلسفی-تاریخی



پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همایش ملی

تکنولوژی و فرهنگ:
تأملات انتقادی با رویکردهای فلسفی-تاریخی

پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۶ و ۱۷ دی ماه ۱۴۰۲

معرفی همایش

پژوهش‌شکده تاریخ و فلسفه علم همایش ملی تکنولوژی و فرهنگ: تأملات انتقادی با رویکردهای فلسفی - تاریخی را با همکاری سازمان‌ها و نهادهای علمی در روزهای ۱۶ و ۱۷ دی ۱۴۰۲ برگزار کرد. پژوهش‌شکده تاریخ و فلسفه علم پژوهشگاه بر آن است تا با تحلیل‌ها و پژوهش‌های تاریخی و فلسفی علم و تکنولوژی و نحوه مواجهه ما با آن را صورت‌بندی و فهم کند. اعضای هیئت‌علمی این پژوهش‌شکده جملگی فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی، پزشکی یا علوم پایه هستند که دکترای تخصصی فلسفه علم و تکنولوژی یا دکترای تاریخ علم دارند. از همین رو یکی از ویژگی‌های اصلی پژوهش‌ها در این پژوهش‌شکده میان‌رشته‌ای بودن آنهاست. محور اصلی پژوهش‌ها و تأملات در این پژوهش‌شکده پرسش‌های اینجایی و اکنونی است در نسبت علم و تکنولوژی با جامعه و اهتمامی است برای بهره‌گیری از در سنت جهانی فلسفه و تاریخ علم و تکنولوژی برای فهم و صورت‌بندی مسائل کنونی ایران در علم و تکنولوژی. از همین روست که علاوه بر تأملات بنیادین و نظری در این باب تعامل با سایر نهادهای علمی (دانشگاه‌های علوم پزشکی و صنعتی)، سیاست‌گذاری (وزارت بهداشت)، نهادهای عمومی (کتابخانه‌های عمومی کشور)، موسسه‌های فرهنگی و خبرگزاری‌ها به‌منظور جذب نخبگان، شبکه‌سازی نخبگانی، ترویجی‌سازی (ارتقاء سواد علم و فناوری) و تأثیر بر سیاست‌های کلان مطمح نظر بوده است. پژوهش‌شکده تاریخ و فلسفه علم پژوهشگاه علوم انسانی به‌عنوان یکی از قطب‌های فلسفه تکنولوژی کشور شناخته‌شده است. تربیت دکترای فلسفه علم و تکنولوژی و دکترای تاریخ علم با تمرکز بر تاریخ و فلسفه تکنولوژی یکی از کارهای شاخص پژوهش‌شکده است که در رساله‌های فارغ‌التحصیلان دکترای انعکاس یافته است. انتشار مقالات مرتبط با تاریخ و فلسفه تکنولوژی در دو مجله پژوهش‌شکده (فلسفه علم و پژوهش‌های علم و دین) بخش دیگری از فعالیت‌های مرتبط است. برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی (طبی‌سازی به‌مثابه تکنولوژی) و انتشار کتاب‌هایی همچون تکنولوژی؛ فرانکشتاین با پرومته، علوم انسانی به‌مثابه تکنولوژی، طبی‌سازی؛ تبدیل وضعیت‌های انسانی به مشکلات قابل‌درمان هم در این زمینه قابل‌ذکر است.

همایش ملی تکنولوژی و فرهنگ هم در راستای پروژه‌ای است که پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم تعریف کرده است. محورهای نشان‌دهنده رویکرد پژوهشکده است که بر آن است تا نسبت تکنولوژی و فرهنگ را نه در انتزاعات، بلکه در بستر تجربه‌های زیسته و پرسش‌های اینجایی و اکنونی فهم کند. برگزیدن عنوان تکنولوژی و فرهنگ از آن‌روست که زمینه را برای گفتگوی تاریخ و فلسفه تکنولوژی با سایر اصحاب علوم انسانی که تأملات انتقادی در باب تکنولوژی دارند فراهم کند. در کشور ما اقبال به تکنولوژی‌های نوین در دهه‌های اخیر رو به فزونی است و سیاست‌گذاران برای رشد و توسعه آن اهتمام می‌ورزند. نکته قابل تأمل اینکه نگاه حاکم بر این سیاست‌گذاری‌ها، فنی-مهندسی و صرفاً به طراحی یا انتقال تکنولوژی می‌پردازد. حال آنکه مطالعات فلسفه و تاریخ تکنولوژی نشان داده، ابداع هر تکنولوژی تنیده با بسترهای فرهنگی-تاریخی و پیش‌فرض‌ها و انگاره‌های فلسفی زمانه خویش است و غفلت از آنها به پیامدهایی می‌انجامد که به آن نیندیشیده‌ایم و مهیای مواجهه با آنها نیستیم. این همایش می‌کوشد تا نسبت تکنولوژی و فرهنگ را با رویکردی انتقادی از منظر تاریخی-فلسفی مورد مذاقه قرار دهد. محورهای همایش به‌گونه‌ای طراحی شده است که علاوه بر فهم وضعیت کنونی‌مان، نسبت خود را با تاریخ دریابیم و هم چشم‌اندازهای تکنولوژی در آینده را بررسی کنیم. مقاله‌های همایش در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه شده و همچنین مقاله‌های برگزیده پس از طی مراحل داوری در مجلات فلسفه علم و پژوهش‌های علم و دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر خواهد شد.

دبیران علمی:

علیرضا منجمی

غلامحسین مقدم حیدری

دبیر اجرایی: صادق حجتی

کمیته علمی همایش:

احمد کلاته ساداتی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

احمد واعظ دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

حمیدرضا نمازی گروه اخلاق و فلسفه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

حنیف قلندری پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران

روح اله شهابی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

زهره اجاق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سعید زاهد زاهدانی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

سلیمان احمدی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

علیرضا منصوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فاطمه طاهرخانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

محمدتقی موحد ابطحی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

محمدرضا قائمی نیک دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مهدی معین زاده پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هادی جابری مقدم دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تهران

هادی صمدی گروه فلسفه علم و تکنولوژی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

هادی موسوی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

محورهای همایش:

۱. هوش مصنوعی و آینده انسان
۲. سلامت و طبی سازی
۳. انتقال تکنولوژی
۴. زیست سیاست و روان سیاست
۵. زیست دینی
۶. سواد تکنولوژی
۷. زیست شهری و معماری
۸. آفرینش هنری
۹. تاریخ تکنولوژی در تمدن اسلامی
۱۰. آموزش مجازی

مشارکت کنندگان:

در برگزاری این همایش نهادهای علمی؛ «موزه ملی تاریخ علوم پزشکی ایران»، «پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی» و «دانشکده آموزش پزشکی و فناوری های یادگیری دانشگاه شهید بهشتی» مشارکت داشتند.

افتتاحیه

نام سخنران	عنوان
علیرضا منجمی غلامحسین مقدم حیدری	گزارش دبیران همایش
حمیدرضا آیت‌اللهی	سواد تکنولوژی
مهدی معین‌زاده	اومانیسیم و تکنولوژی
رضا غلامی	نسبت ارزش‌های اجتماعی با فناوری‌های نو

گزارش دبیران همایش

علیرضا منجمی و غلامحسین مقدم حیدری

دبیران علمی همایش ملی تکنولوژی و فرهنگ، دکتر علیرضا منجمی و دکتر غلامحسین مقدم حیدری به ارائه گزارشی از همایش پرداختند. در ابتدا علیرضا منجمی گفت پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی یکی از قطب‌های اصلی مطالعات فلسفی و تاریخی تکنولوژی است و این همایش هم بخشی در راستای همین پروژه است. رئیس پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم افزود اعضای هیئت علمی این پژوهشکده فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی، پزشکی و علوم پایه هستند که دکترای تخصصی فلسفه علم و تکنولوژی یا تاریخ علم دارند و بر اساس پیش‌زمینه تحصیلی‌شان به یکی از شاخه‌های علم و تکنولوژی مانند فیزیک، پزشکی یا علوم اجتماعی می‌پردازند. این تنوع سبب شده است این پژوهشکده تعامل گسترده‌ای با سایر نهادهای علمی، دانشگاه‌های صنعتی و علوم پزشکی، وزارت بهداشت و فرهنگستان علوم پزشکی داشته باشد. غلامحسین مقدم حیدری دیگر دبیر علمی این همایش ملی افزود، در این پژوهشکده هم از منظر قاره‌ای و هم تحلیلی به مسائل فلسفی و تاریخی مرتبط با تکنولوژی پرداخته می‌شود، اما آنچه این پژوهشکده را از سایر گروه‌های مرتبط متمایز می‌کند تلاش برای فهم بومی مسائل تکنولوژیک و ربط و نسبت آنها با جامعه است.



نگاهی به محورهای همایش حکایت از چنین رویکردی دارد که به جای پرداختن به انتزاعیات و تأملات نظری صرف در پی فهم نسبت مسائل روزمره ما با تکنولوژی از منظر تاریخ و فلسفه تکنولوژی است. از این رو بحث سواد تکنولوژی یکی از مباحث موردتوجه پژوهشکده است و در این راستا با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور طرحی برای ارتقاء سواد تکنولوژی کتابداران در سطح ملی انجام داده است. دکتر منجمی در ادامه گفت در پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم هم در پژوهش‌های اعضای هیئت علمی ازجمله مقاله، کتاب و کرسی نظریه‌پردازی و هم تربیت دانشجویان تاریخ و فلسفه تکنولوژی جایگاه ویژه‌ای دارد. این دانشیار فلسفه علم و تکنولوژی افزود، درس فلسفه تکنولوژی به دانشجویان دکترای فلسفه علم و درس تاریخ تکنولوژی به دانشجویان دکترای تاریخ علم ارائه می‌شود. در رساله‌های دانشجویان دکترای فلسفه علم و تاریخ علم هم به تکنولوژی پرداخته می‌شود. از میان آثار اعضای هیئت علمی می‌توان به کتاب‌های تکنولوژی: فرانکنشتاین با پرومته، طبی‌سازی و علوم انسانی به مثابه تکنولوژی اشاره کرد. سپس مقدم حیدری دانشیار فلسفه علم و تکنولوژی ادامه داد، معمولاً در جامعه ما تکنولوژی را به مثابه ابزاری خشتی فهم می‌کنند در صورتی که این همایش در پی آن است که تکنولوژی به مثابه قواعد و سیستم اجتماعی-تکنیکی را برجسته کند. وی افزود از میان محورهای اعلام شده همگی به جز دو مورد هوش مصنوعی و آفرینش هنری در سخنرانی‌های اصلی یا پنل‌های تخصصی پرداخته شده است. آنچه در داوری مقالات مد نظر بود رویکرد انتقادی از منظر تاریخی یا فلسفی به مسائل



تکنولوژیک بود که در این دو محور مقاله درخوری دریافت نشد. در پایان علیرضا منجمی درباره ساختار همایش توضیحاتی ارائه کرد. در دور روز همایش ۱۰ سخنران اصلی خواهیم داشت و چهار پنل تخصصی که ۱۵ سخنرانی هم در آنها ارائه خواهد شد. پنل «زیست دینی و اخلاق تکنولوژی» با دبیری سید محمد تقی موحد ابطحی و «علوم اجتماعی و ارتباطات» با دبیری مالک شجاعی جشقانی روز ۱۶ دیماه و دو «تاریخ تکنولوژی دوره اسلامی» با دبیری حنیف قلندری و پنل «طبی سازی» با دبیری حمیدرضا نمازی روز دیماه ۱۷ برگزار می شود. این دانشیار پژوهشگاه ادامه داد، طبی سازی برای اولین بار است که در قالب یک پنل تخصصی در ایران پرداخته می شود. چکیده همایش های مقاله در ISC نمایه خواهد شد و مقالات کامل هم ان شاء الله در قالب یک کتاب هم منتشر می شود. نگاهی به ترکیب سخنرانان نشان می دهد که رشته های فلسفه و تکنولوژی، فلسفه غرب، علوم سیاسی، علوم تربیتی و آموزشی، علوم ارتباطات، جامعه شناسی، اخلاق و شهرسازی حضور دارند که نشان از رویکرد چند رشته ای و میان رشته ای این همایش دارد. وی افزود می کشیم با حفظ این گروه دانشور و بحث و تبادل نظر برای تدوین سند سیاستی و راهکارهای عملی در این حوزه هم دستاوردی فراهم کنیم. این همایش ملی تحت پوشش خبری خبرگزاری مهر، خبرگزاری های وابسته به جهاد دانشگاهی (ایکنا و ایسنا) و خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) خواهد بود.

سواد تکنولوژی

حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی



موضوع سواد تکنولوژی از موضوعات مهمی است که باید به آن پرداخته شود اما ابتدا باید بررسی کنیم که چرا از کلمه سواد استفاده می‌شود و گاهی اوقات نیز بد به کار می‌رود؟ وقتی شخصی در مدرسه‌ای درس می‌خواند گاهی وضعیت درسی وی به جایی می‌رسد که گفته می‌شود

باسواد شده است اما مشخص نیست که منظور از باسواد شدن چیست؟ آیا صرف خواندن و نوشتن کفایت می‌کند یا اینکه باید به مقطعی برسد که وی را باسواد بنامیم؟ واقعیت این‌که سواد به توانستن دانش برمی‌گردد نه به خود دانش. سواد به معنای تربیت نیست بلکه فوق تربیت و درواقع تربیت نهادینه‌شده‌ای است که انسان همواره بتواند از آن استفاده کند. مراد از سواد رسانه‌ای چیست؟

در تکنولوژی هم باید مهارت‌هایی داشته باشیم که هر وقت با آن مواجه شدیم موضع‌گیری صحیحی داشته باشیم. یکی از اولین مواردی که بنده به آن پرداختم سواد رسانه‌ای بود. برخی فکر می‌کنند منظور از سواد رسانه‌ای این است که بدانیم رسانه‌ها چه هستند و چه کاری می‌کنند؟ اما منظور این است که بتوانیم موضعی مناسب و عاقلانه نسبت به رسانه داشته باشیم. برای بررسی سواد تکنولوژی نیز باید ابتدا تکنولوژی را بشناسیم و خصوصیات آن را بدانیم سپس بررسی کنیم که ما چه کاری می‌توانیم در مقابل این تکنولوژی انجام دهیم.

اولین چیزی که باید بدانیم این است که تکنولوژی، ابزار در اختیار انسان نیست که انسان بتواند هر کاری با آن انجام دهد. تکنولوژی می‌تواند برخی توانایی‌های انسان را بیشتر و برخی توانایی‌ها را از وی بگیرد یعنی می‌تواند خودش تعیین‌کننده باشد. شبکه اجتماعی پدیده‌ای بسیار خوب است و نتایج خوبی هم برای ما دارد، ازجمله اینکه همه افراد در سراسر دنیا به‌وسیله

آن می‌توانند دیدگاه‌های خود را بیان کنند اما همین شبکه اجتماعی باعث شد افراد، تند مشغول خواندن در فضای مجازی شوند و در نتیجه با مسائلی جدید مواجه می‌شویم از جمله اینکه اگر تا الآن می‌توانست سه صفحه کتاب بخواند و عمیق بخواند اما الآن سه خط مطلب را می‌خواند و عمدتاً مشغول این شبکه‌های اجتماعی است لذا ذائقه وی عوض می‌شود. بنابراین تکنولوژی باعث شده افراد ساندویچی فکر کنند.

مزایا و معایب تکنولوژی برای انسان

وقتی صبح تا شب موبایل خود را نگاه می‌کنید ممکن است از صد خیر، دو مورد آن به درد شما بخورد و بقیه، اضافه‌بار اطلاعاتی هستند. ما قبلاً فکر نمی‌کردیم شرایط این‌گونه شود لذا اگر بفهمیم هر تکنولوژی می‌تواند در آینده چیزهایی را به شما تحمیل کند بنابراین ضرورت سواد تکنولوژیک را درک خواهیم کرد. نکته دیگر اینکه اگر این توانمندی را پیدا کنیم که هر تکنولوژی که می‌آید، می‌تواند اقتضائات بعدی را هم در پی داشته باشد آن وقت توانمندی مواجهه با تکنولوژی را پیدا کرده‌ایم. حال سؤال این است که این توانمندی چگونه پدید می‌آید؟ برای مثال تکنولوژی ماشین معمولی یا متروکه در گذشته وجود نداشته‌اند نگاه‌های جدیدی را به ما تحمیل می‌کنند که باید آنها را درک کنیم و در این صورت سواد تکنولوژی ما دائماً بالا می‌رود. همچنین باید دانست تکنولوژی، ابزاری در اختیار بشر نیست بلکه می‌تواند بلاهایی هم سر ما بیاورد. بنده نمی‌خواهم بگویم که تکنولوژی دائماً بلا بر سر ما می‌آورد اما باید بدانیم که قطعاً بلاهایی هم بر سر ما می‌آورد.

البته تکنولوژی مزیت‌های زیادی هم می‌تواند در پی داشته باشد برای مثال در ماجرای عملیات طوفان الاقصی، اگر تکنولوژی شبکه‌های اجتماعی نبود الآن این جنبش خفه شده بود. بنابراین تکنولوژی این‌گونه نیست که یک فاجعه بشری به وجود بیاورد و این‌گونه هم نیست که بگویم آینده‌ای درخشان برای بشر رقم می‌زند بلکه امکاناتی در اختیار ما قرار می‌دهد که می‌تواند هم مصیبت‌ها و هم توانمندی‌های جدید برای ما در پی داشته باشد لذا باید تکنولوژی را به‌خوبی بفهمیم. نکته مهمی که باید در تکنولوژی بدانیم وضعیت بشر در ابتدا و انتهای قرن بیستم است چون تاریخ تکنولوژی اهمیت بسیاری دارد.

اهمیت توجه به تاریخ تکنولوژی

ابتدای قرن بیستم به بشر گفته می‌شد هرچه می‌توانی از طبیعت و نیروهای خفته در آن به نفع رفاه خودت استفاده کن. تا سال ۱۹۸۰ هنوز چنین بحث‌هایی وجود داشت اما از آن زمان به بعد مسئله بحران محیط‌زیست شدت زیادی گرفت چراکه مثلاً در دهه ۱۹۵۰ یک نفر درباره بحران محیط‌زیست صحبتی نمی‌کرد لذا در این سال‌ها جریاناتی همانند حزب‌های سبز در اروپا، با استفاده بی‌رویه از محیط‌زیست به شدت مخالفت کردند. مثلاً وقتی قرار بود زباله‌های اتمی در اروپا جابه‌جا شوند اعضای حزب سبز در همه جای اروپا روی خط راه‌آهن می‌خوابیدند. لذا لغتی به نام اخلاق در تکنولوژی در اواخر قرن بیستم پدید آمد و امروزه اخلاق، بخش مهمی از تکنولوژی است و هر مقاله یا رساله‌ای که قرار باشد درباره تکنولوژی نوشته شود باید ملاحظات اخلاقی آن‌هم در نظر گرفته شود درحالی‌که قبلاً چنین موضوعات اخلاقی، عمدتاً به کلیساها محدود می‌شود.

شناخت روند تکنولوژی اهمیت زیادی دارد چراکه کار را به جایی رسانده است شخصی همانند هایدگر می‌گوید تکنولوژی می‌تواند هر بلایی سر شما بیاورد و شما هیچ کاری نتوانید انجام دهید. نکته دیگر اینکه درست است تکنولوژی برای ما تعین ایجاد می‌کند و ما را به سمت‌هایی سوق می‌دهد اما اگر بفهمیم چه کارایی‌هایی در آینده برای ما خواهد داشت می‌توانیم از همین الآن در مورد آینده آن فکر کنیم. نکته دیگر اینکه ماجرای جبر تکنولوژیک، از اوایل قرن بیست و یکم، کمتر شده و از عنوان تعین‌گرایی استفاده می‌شود یعنی چیزهایی را برای ما تعین می‌کند اما جبر نیست به همین دلیل الآن بسیاری از فیلسوفان تکنولوژی، دیگر حرف‌های هایدگر را قبول ندارند چون این تعین می‌تواند تحت تأثیر عوامل انسانی تا حدودی تغییر پیدا کند و ما انسان‌ها در مقابل آن دست‌بسته نیستیم. امیدوارم بنای کار سواد تکنولوژی و ایجاد عناصر آن را در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را ایجاد و عناصر آن را روشن کنید که مردم ما به شکل عاقلانه و فعالانه بتوانند با تکنولوژی مواجه شوند.

اومانيسم و تكنولوجي

مهدی معین‌زاده، استادیار پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



انتصاب جبری بودن تکنولوژی در هایدگر و برداشت‌هایی که از آن می‌شود با توجه به خود مقاله «پرسش از تکنولوژی؛ نخستین تأمل فلسفی درباره تکنولوژی، ۱۹۴۷»، یا مقاله‌های بعدی از قبیل «چیستی چیست؟»، «ساختن باشیدن» روشن می‌شود. اگر جبریتی را منتسب بکنیم به هایدگر، فکر کردن ما را یاری

می‌کند به اینکه حتی راه برون‌شد از این جبریت را به دست آوریم. در آثار هم به‌نوعی اشاراتی شده است. درباره ابزار بودن تکنولوژی، وقتی می‌گوییم با فرهنگ می‌شود آثار سوء آن را از میان برداشت و کم کرد یعنی تکنولوژی ابزار است. یعنی می‌توانید تکنولوژی را در جهت خوب یا تبصره‌هایی با پیوست‌هایی فرهنگی از بین ببرید؛ پس تکنولوژی می‌شود وسیله. اینکه می‌گوییم با تکنولوژی می‌شود یادگیری را محقق کرد نیز به معنای ابزار بودن تکنولوژی است. علی‌رغم شهرت موضع هایدگر درباره آن برداشت‌های نادرست فراوان شده است. من برای اینکه موضع هایدگر را واضح‌تر کنم می‌خواهم بگویم که این یک رویه (trend) و فکر بسیار دامنه‌دار بوده که برمی‌گردد به درس‌گفتارهای ۱۹۱۹ و اصطلاح «تصویر جهانی» که از آن، «جهان‌بینی» یا «world view» یا «picture of world» نتیجه می‌شود.

انسان جهان را به‌مثابه یک تصویر می‌بیند

هایدگر می‌گوید انسان، جهان را به‌مثابه یک تصویر می‌بیند یعنی نه اینکه تصویری رسم کند بلکه انسان، آن را تبدیل به تصویر می‌کند؛ یک قاب تصویر و نقاشی؛ قاب نقاشی‌ای که انسان می‌کشد و بنابراین، هر چیزی را در

جایی که خودش می‌خواهد، قرار می‌دهد. متن را تعریف می‌کند، حاشیه را معین می‌کند، و روابط را شکل می‌دهد. چیزی را معرفت می‌شمارد. چیزی را خرافه می‌داند؛ پس تصویر جهان یعنی دیدن جهان به مثابه تصویر. این از ۱۹۱۹ شروع می‌شود، به محاق می‌رود، تا آثار دیگری می‌آیند و در سال ۱۹۴۷ تبدیل می‌شود به «پرسش از تکنولوژی». پرسش از تکنولوژی با همان ابزار نبودن تکنولوژی آغاز می‌شود. تکنولوژی ابزار نیست، دید است؛ گشایش است به عالم؛ یک نحوه دید است؛ نحوه دید که در آن انسان به عنوان نقاش هستی جایگاه تمام موجودات را رقم زده است. این یعنی تصرف در موجودات. جایگاه خداوندی پیدا کرده است که به قول هایدگر، این در متافیزیک فردیش نیچه به اوج می‌رسد و «اراده معطوف به قدرت» را به وجود می‌آورد.

پس تکنولوژی اگر ابزار نیست، گشایشی است که انسان را در مرکز عالم می‌نشانند و منویات و خواست‌هایش و اراده‌اش را اراده مطلق عالم می‌داند و بنابراین هر چیزی را با آن می‌سنجد. مشابه همان تصویر جهان که عبارت بود از یک قاب نقاشی. هایدگر یک اصطلاحی را تعریف می‌کنند به نام گشتل که در زبان آلمانی یعنی قاب‌بندی. جهان را قاب می‌گیرد. بنابراین بنابر اراده انسان هر چیزی هم در جای خودش قرار خواهد گرفت. نکته مهم این است که از نظر او تکنولوژی تقدم وجودی بر علم دارد. ما معمولاً فکر می‌کنیم که علم به لحاظ تئوریک گزاره‌هایش کشف می‌شوند و پرده‌برداری می‌شوند و بعد بر اساس این علم، تکنولوژی ساخته می‌شود؛ مثل مهندسی. درحالی‌که هایدگر می‌گوید تکنولوژی تقدم وجودی بر علم دارد؛ خواست تصرف عالم، تقدم وجودی بر علم دارد یعنی علم مبتنی است بر خواست تصرف عالم. اینجا مثالی که می‌زنند، رودخانه است. می‌گویند شما به رودخانه راین برای پیچ‌وتاب و زیبایی‌اش نگاه نمی‌کنید، اولین گشایش و اولین چیزی که با مشاهده‌اش، به ذهن انسان خطور می‌کند این است که چند مگاوات برق می‌شود از این رودخانه تولید کرد. این یعنی قصد تصرف عالم بر علمی که قرار است بر آن اساس ساخته شود، مقدم است.

مسئله این است که اتفاقی افتاده است در تاریخ؛ ما در دوره‌ای هستیم که قصد تصرف عالم، حرف اول را می‌زند. پدیدارهای عالم چیزی نیستند جز

ذخیره دائم و قائم برای خواست‌های انسانی. هایدگر مثالی می‌زند؛ ما در عالم قدیم هم در فرهنگ یونان تکنیک‌هایی داشتیم به نام تخته که در کنار مفاهیم دیگری همچون ایستمه، سوفیا، نوس و غیره بودند. به هر جهت یک اتفاق بسیار مهم که از آن به «عصر جدید» تعبیر می‌کنیم رخ داده است. و آن هم بعد از آن است که تکنولوژی تبدیل می‌شود به میل به تصرف در عالم. و این تصرف هرچه بر سر عالم بیاورد، باز بنیاد به گونه‌ای است که عناصری از آن تا ابد ادامه پیدا می‌کند. بن تکنولوژی همیشه با تکنولوژی همراه است. شما ممکن است هر کاری بکنید و حتی گروه سبز تشکیل بدهید، نهضت ضد پلاستیک برپا کنید ولی این‌ها استلزامات و قرائنی دارند یعنی همراهانی دارند که می‌بینید باز تبدیل شد به همین و باز خون به خون شستن شد. تا اینجا به نظر می‌رسد که مسئله تاریخ را پیش کشیدیم که در عصر جدید این‌طور شده است. به نظر می‌رسد این جبری است؛ ولی اینطوری نیست. جبری نبودن به این معناست که هایدگر در «پرسش از تکنولوژی» می‌گوید من مخالف تکنولوژی نیستم؛ من تکنولوژی را شرّ نمی‌دانم کما اینکه خیر هم نمی‌دانم. آنچه اینجا مهم است فهم بنیاد است. یعنی چاره را نیز پیش می‌کشد که شما این‌ها را بدانید و منتظر باشید. این کارهای مقطعی چیزی جز فرسایش و چیزی جز توهّم انسانی کردن تکنولوژی نخواهد بود.

هایدگر اصطلاحی را باز از یونان باستان پیش می‌کشد به معنای پویسیس (Poiesis) به معنای ساختن. در مقاله «بودن، ساختن، باشیدن و فکر کردن» نیز آمده است. به واژه «دنکن» (Denken) در آلمانی نیز اشاره می‌شود، که به معنای فکر و ذکر است. در زبان آلمانی، فکر همان ذکر است. اینجا نوعی ساختن را پیش می‌کشد که در آن پویسیس یعنی فرا آوردن می‌گوید انسان شبان هستی است، نورگیر هستی است. یعنی پدیدارها در انسان، و مقاصد او هستند که به شکوفایی خودشان می‌رسند. این بدیلی است برای تصرف. این، رفتار ما یعنی رفتار منکشفانه را با رفتار متصرفانه در تمایز و تغایر قرار می‌دهد. در پویسیس که باید به یونان مراجعه کرد و فهمید یعنی چه، ما درمی‌یابیم که عالم در انسان، به منصه ظهور می‌رسد، اگر انسان قصد تصرف نداشته باشد. این را در بجه خود نیز می‌بینیم. وقتی بخواهیم فرزندمان را تصرف کنیم، مثل اینکه بگوییم باید پزشک شود.

این شیوه درست نیست. اما اگر مثل یک کشاورز رفتار کردیم به معنای پویسیس است. یعنی می‌آییم آبیاری می‌کنیم فرزندان را تا او خودش را نشان بدهد. یک مقداری از این به انتظار بستگی دارد. هنوز نوبت مواجهه پوئتیک ما با عالم، گویی فرا نرسیده است. و تا آن موقع باید چشم دوخت و بنیاد تکنولوژی را فهم کرد. وقتی بنیاد را فهم کردیم داریم راه را درست می‌رویم. در شیعه نیز این انتظار را داریم. من واقعا این‌ها را شبیه به هم می‌بینم. ارسطو حرکت را تبیین می‌کند و می‌گوید هر چیزی به‌سوی جبهت خودش در حرکت است؛ یعنی همان چهار عنصر. سنگ چرا می‌رود به زمین چون از خاک است. آب چرا به دریا می‌رود چون اصلش دریاست. این در عصر جدید تبدیل به نیرو شد. تمایل، شد قصد. چنین تغییری ایجاد نمی‌شود مگر اینکه تاس را اول آن طرف بیندازد؛ اویی که تا حالا گوشه چشمی نشان داده بود الان ابرو نشان دهد. مگر ارسطو کم‌هوش‌تر از نیوتن بود؟ این نبود؛ انکشاف آنجا گوشه ابرو نشان داده بود او نیز گوشه ابرو نشان داد.



نسبت ارزش‌های اجتماعی با فناوری‌های نو

رضا غلامی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی
و رئیس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی



ارزش‌های اجتماعی، اصول و معیارهایی هستند که افراد و گروه‌های اجتماعی برای شکل دادن به ماهیت نظم اجتماعی و تعریف آنچه قابل قبول، مطلوب و مهم است، از بطن جهان‌نگری خود استخراج و آنها را ساماندهی و مورد استفاده قرار می‌دهند. واژه هنجارهای اجتماعی نیز در سخنان من تکرار خواهد

شد. هنجارهای اجتماعی استانداردهای مشترک رفتار قابل قبول گروه‌های اجتماعی هستند که هرچند با جهان‌نگری گروه‌ها و اعضای جامعه منافاتی ندارد اما در همه عرصه‌ها، لزوماً جنبه ارزشی بسیار پررنگی ندارند. نمی‌توان تردید داشت که جهان‌نگری، به‌طور قابل توجهی بر خلق فناوری اثرگذار است. طرز تلقی انسان از هستی و از نسبت انسان با هستی و باورها و عقایدی که از این طریق شکل می‌گیرد، خواسته یا ناخواسته و در سطوحی عمیق، در شکل‌گیری فناوری‌ها مؤثرند. برای مثال، از گذشته رابطه دین و فناوری موضوع مطالعه بوده و هنوز هم هست.

این پرسش که آیا وقتی جهان‌نگری مدرن بود، مؤلفه‌های جهان‌نگری مدرن کاملاً فناوری‌ها را در درون خود می‌بلعد و هضم می‌کنند یا نه؟ یکی از پرسش‌های قدیمی خصوصاً در کشور ما که یک کشور عمدتاً سنتی است، محسوب می‌شود. برای پاسخ به این سؤال، ابتدا باید گفت: از آنجاکه از نظر این جانب، انسان‌ها صاحب فطرت الهی و تعالی‌خواه هستند، و از آنجا که فناوری‌ها مخلوق انسانها هستند، جهان‌بینی مدرن با وجود تأثیراتی که بر انسان مدرن و به تبع آن، فناوری‌های مدرن گذاشته است، اما این تأثیرات نه لزوماً الحادی است، و نه بدون گرایش به فضائل انسانی است.

با این حال، به نظر می‌رسد مشکل اصلی هایدگر درباره فناوری، مطلق‌گویی و بدبینی مفرط آن به فناوری است و نادیده گرفتن ذات یا فطرت الهی و تعالی خواه انسان است که می‌تواند از بخشی از این فناوری‌ها به نفع بسط و تعمیق انسانیت و فضائل انسانی کمک کند یا حتی در بزنگاه‌ها جلوی برخی از سوءاستفاده‌های وسیع از فناوری‌ها را بگیرد. البته از هایدگر که یکی از بنیان‌گذاران سیستم انتظاری برای قبول فطرت که قبول سطحی از ذات‌گرایی است وجود ندارد اما به هر حال این نقدها به او قابل تأمل است. بخش مهمی از فناوری‌ها خنثی محسوب می‌شوند. یعنی خالق آن فناوری به‌طور آگاهانه و عمدتاً بنای بر دخالت دادن جهان‌نگری خود و به تبع آن، ارزش‌ها و هنگامی‌های موردنظر خود را در کارکردهای آن فناوری نداشته است. با این حال، روشن است که فناوری‌های خنثی این قابلیت را نیز دارند که خارج از اراده خالق آن مورد سوءاستفاده قرار بگیرند. هایدگر تأکید دارد که فناوری فراتر از کنترل انسان توسعه می‌یابد، به این معنی که ما نمی‌توانیم پیامدهای آن یا رابطه خود را با آن لزوماً پیش‌بینی کنیم. من این سخن هایدگر را فی‌الجملة قابل قبول قلمداد می‌کنم اما سرایت دادن این واقعیت به همه جهان فناوری را منطقی تلقی نمی‌کنم. با این وجود، می‌توان فناوری‌هایی را شناسایی کرد که خالق آنها با در نظر گرفتن قواعدی سرسختانه، راه سوءاستفاده از آنها تا حدی محدود کرده است. با این ملاحظه که امکان بستن مطلق راه سوء استفاده از یک فناوری نیز امکان‌پذیر نیست. با همه این‌ها می‌توان در میان فناوری‌ها، فناوری‌هایی را پیدا کرد که از ابتدا کاملاً جهت‌دار خلق شده‌اند. یعنی آن دسته از فناوری‌هایی که نه تنها مبتنی بر ارزش‌های خاصی به وجود آمده‌اند، بلکه اشاعه دهنده یا تحقق‌بخش ارزش‌های خاصی هم هستند. مشکل اصلی جهان سنت با این فناوری‌هاست که تأثیرات منفی آن در جهان سنت قابل خنثی کردن نیست و یا تصرف در آنها ناممکن است. این فناوری‌ها، همان فناوری‌هایی است که کانه اگر چیزی به عنوان شبه ذات برای آنها قائل باشیم، ذات آنها با کارکردهای خاص پیوند خورده است. تأثیر جهان‌نگری بر خلق فناوری و برعکس، تأثیر فناوری بر شکل‌گیری جهان‌نگری، به حدی است که احتمالاً می‌توان گفت تأثیر فناوری بر جامعه و به تبع آن، بر فرهنگ، تأثیری دوسویه است، چراکه از یک‌سو،

باورها و عقاید و میوه آنها یعنی ارزش‌ها بر روی فناوری و کارکردهای آن مؤثرند و از طرف دیگر، خود فناوری مولد در شکل‌گیری باورها، عقاید و به تبع آنها، ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه نقش بسیار مهمی دارند. با این وصف، مباحث فلسفه فناوری و به‌ویژه دقت نظر به رابطه دوسویه فناوری یا جامعه و فرهنگ، از اهمیت فراوانی برخوردار است و برای مواجهه با فناوری نمی‌توان از این بحث‌ها به راحتی عبور کرد.

در این میان، نقطه کانون بحث حاضر، بر نقش فناوری‌ها بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. همان‌طور که پیش‌تر به اجمال اشاره شد، تأثیرات فناوری بر مناسبات و تعاملات اجتماعی، به نحو نسبی هم مثبت بوده است و هم منفی. اگر انقلاب هوش مصنوعی کاملاً رقم بخورد و قدرت یادگیری و آفرینش هوش مصنوعی قطعی بشود، باید در انتظار نرم‌ها و ارزش‌هایی باشیم که هوش مصنوعی نه تنها آنها را پیش روی بشر قرار می‌دهد بلکه در چارچوب آنها عمل می‌کند. شاید یکی از وجوه خوفناک آینده هوش مصنوعی، ظرفیتی است که هوش مصنوعی در ارزش‌یابی دارد. به صورت کلی به برخی از تأثیرات منفی فناوری بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی اشاره شد. کاهش آزادی‌های فردی، کاهش تعامل چهره به چهره و جامعه سازی، افزایش انزوا و کاهش تعاملات اجتماعی، تأثیر نامطلوب بر سلامت روان، عدم اعتماد، بیکاری و جایگزینی فناوری به جای انسان، نابرابری در دسترسی به فناوری‌های نو به‌ویژه دیجیتال، اعتیاد به محصولات تولید انبوه: فناوری، نقض ارزش‌های اجتماعی و از بین رفتن انسجام در جامعه و اشاعه کلیشه‌های مضر فرهنگی از آن جمله‌اند. تأثیرات مثبت فناوری بر ارزش‌های اجتماعی از جمله ارتباطات جهانی و تبادل فرهنگی، جنبه‌های بهبود یافته جامعه، تقویت ارتباطات بین فردی، افزایش دسترسی به اطلاعات، افزایش ارتباطات و مهارت‌های اجتماعی.

من آن بدبینی هایدگری نسبت به فناوری و یا به تعبیر او، بنیان فناوری را رد می‌کنم و معتقدم فناوری در مناسبات اجتماعی و فرهنگی، به‌رغم باز بودن چتر جهان‌نگری مدرن بر سر آن، لزوماً بنیان منفی و غیرتعالی جویی ندارد. بر این اساس، مهم، واقع‌بینی درباره فناوری، درک خطرات آن در کنار وجود برخی نیت‌های خیرخواهانه در میان خالقان فناوری و بسط این نیت‌ها در جهت صیانت نسبی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است.

پنل زیست دینی و اخلاق تکنولوژی

مدیر علمی: سید محمدتقی موحد ابطحی، استادیار پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فناوری یکی از جلوه‌های بارز عصر حاضر و دین یکی از اجزاء اساسی فرهنگ است و طبیعی است در بحث از مناسبات فرهنگ و فناوری به‌خصوص در جامعه ایرانی اسلامی، مناسبات فناوری و دین به‌طور جدی در معرض بحث و بررسی قرار گیرد. در پنل «زیست دینی و اخلاق تکنولوژی» در قالب مقالاتی به چند مبحث پرداخته شد:

۱. فناوری چه تأثیرات مثبت و منفی‌ای بر سبک زندگی دینی می‌گذارد؟
۲. با توجه به تعریف دین و رسانه (به‌خصوص تلویزیون) روابط این دو را چگونه می‌توان ترسیم کرد؟

۳. آیا هوش مصنوعی عام می‌تواند عامل اخلاقی باشد؟

۴. آیا در چارچوب عقلانیت نقاد تکنولوژی دینی ممکن است؟ اگر آری! راه رسیدن به آن چیست؟

نام سخنران	عنوان
حسین مطیع	فناوری و سبک زندگی دینی
بشیر معتمدی	گونه‌شناسی روابط دین و تلویزیون
محمدعلی عاشوری کیسمی	بررسی عاملیت اخلاقی هوش مصنوعی عام
سید محمدتقی موحد ابطحی	امکان و نحوه تحقق تکنولوژی دینی از منظر عقلانیت نقاد

فناوری و سبک زندگی دینی

حسین مطیع، استادیار مرکز معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی اصفهان



یکی از مسائل مهم فناوری ارتباط آن با سبک زندگی است. وقتی که فناوری یک الگو شد، سبک زندگی فناورانه به یک الگو تبدیل می‌شود. ارتباط انسان با طبیعت تغییر می‌کند و این مسئله خودش را در شهرسازی‌ها نشان می‌دهد، برای نمونه در شهرها پارک و اماکن تفریحی احداث می‌کنیم. سه دسته تعریف دربارهٔ تکنولوژی داریم. ابزار، علم به کار بردن ابزار و گشتل. مقاله حاضر به منظور بررسی رابطه دین با زیست دینی به رشته نگارش درآمده و هدف از آن تبیین رابطه فناوری‌های مکانیکی و الکترونیکی (سایر) با سبک زندگی دینی است و تأثیرات و تأثراتی که برهم دارند را بررسی می‌کند. با ایجاد فناوری به صورت پارادایم سبک زندگی فناورانه شکل خواهد گرفت، افراد نه با یک گذر منطقی بلکه با گذر روان‌شناختی سبک زندگی خود را تغییر دادند که نمونه آن را در ساخت بوستان‌ها می‌توان مشاهده کرد که جایگزینی برای طبیعت واقعی شدند. فناوری مکانیک ادامه حواس و اندام‌هاست؛ اما فناوری الکترونیکی برگرفته از خیال است، گویی انسان با تکنولوژی ادای انتزاعی بودن را درمی‌آورد و رابطه بین عالم خیال و واقعیت است.

در مبحث ما، یعنی ارتباط تکنولوژی و سبک زندگی از تعریف دوم استفاده می‌کنیم که بیانگر مجموعه‌ای از خدمات است. از مؤلفه‌های سبک زندگی فناورانه می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم: در سبک زندگی فناورانه اسراف یک لذت مذموم نیست، این سبک نیاز به تولید انبوه دارد و به دلیل هزینه بالای فناوری باید تولید بالا داشته باشد و مصرف‌کننده نیز با خرید مصرف خود را افزایش دهد؛ بنابراین صرفه‌جویی معنی نخواهد داشت. مد نیز در راستای همین دنیای مدرن است؛ به‌طوری‌که با تعریف یک موضوع واحد علاوه بر افزایش مصرف مردم را در وارد رقابت برای مصرف بیشتر و چشم و هم‌چشمی سوق می‌دهد. در گذشته مد در یک بازه بلندمدت ۱۰ سال تعریف می‌شد؛ اما با گذر زمان این مدت‌زمانی به یک سال کاهش یافت و حتی شاید به یک فصل هم برسد به همین دلیل بسیاری از کالاها بلااستفاده می‌شوند آن‌هم به خاطر اینکه از مد رفتند. استراحت و تفریح نیز تغییراتی داشته است. در گذشته مردم به استراحت نیاز داشتند؛ اما این تفریحات به‌طور یکجا با محل کار و زندگی ادغام می‌شد؛ اما در حال حاضر زمان تفریح کاملاً مستقل ایجاد شده و برای آن تجهیزاتی مجزا در نظر گرفته شده است. میل انسان برای تفریح با تنوع فراوان همراه است. انسان‌های مرفه به‌صورت فیزیکی وارد فضای فراغت می‌شوند؛ اما انسان‌های کم‌بضاعت به دلیل کمبود درآمد مجبور به گذراندن وقت در محیط مجازی هستند. در جهان مدرن دیگر کمک کردن به نیازمندان اولویت ندارد و اگر کمکی نیز صورت می‌گیرد در مقابل دوربین خواهد بود، علاوه بر این بحث خساست نیز در خصوص فقرا مطرح می‌شود. برخی از فناوری‌ها مانند صنعت تبلیغات و مد در پی ارضای وهم انسان هستند که انسان به‌واسطه این اوهام اعتبار اجتماعی کسب کند. البته سبک زندگی فناورانه مزیت‌هایی هم دارد، مانند کمک به انسان در شناخت آیات الهی، تسهیل ارتباطات و افزایش بهره‌وری.

گونه‌شناسی روابط دین و تلویزیون

بشیر معتمدی، استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



تلویزیون به‌عنوان تکنولوژی رسانه‌ای از یک‌سو و دین به‌عنوان بخشی از فرهنگ چه نوع روابطی می‌توانند با یکدیگر برقرار سازند؟ هدف از این مقاله پاسخ به این پرسش است. برای پاسخ به این پرسش می‌بایست شناختی از هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تلویزیون داشت و آنگاه در تطابق با هستی‌شناسی و

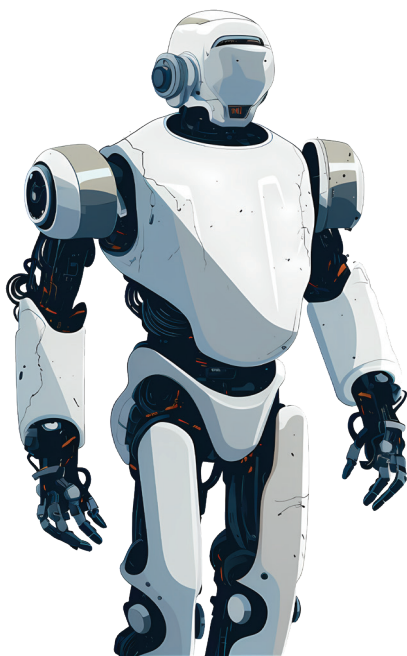
معرفت‌شناسی دین، نقاط اشتراک را یافت و از آن طریق در جهت برقراری روابط تلاش نمود. تلویزیون به‌عنوان تکنولوژی رسانه‌ای دارای سه ویژگی عمده است: امر مجازی، نشانه و تلفیق صدا، تصویر و حرکت. از سوی دیگر دین به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: ایمان و عمل صالح. ایمان خود دارای دو جزء آگاهی و علقه عاطفی است. آگاهی از سه طریق حس، خیال و عقل ایجاد می‌شود و علقه عاطفی ریشه در تمایلات فطری دارد. عمل صالح نیز شامل دو بخش اخلاق و مناسک می‌گردد. به این ترتیب روابط بین دین و تلویزیون را می‌توان این‌گونه ترسیم نمود که: امر مجازی با خیال دینی پیوند می‌خورد. نشانه تصویری دینی در تلفیق با عقل قرار می‌گیرد و حس دینی با تصویر متحرک تلاقی و نمود می‌یابد. برای تجلی و تحقق چنین پیوندهایی دو شیوه «انفطار صورت» و «سبک استعلایی» می‌تواند راهگشای برقراری روابط اثربخش بین دین و تلویزیون گردد و از این طریق زیست دینی با تکنولوژی تلویزیون تسهیل گردد.

بررسی عاملیت اخلاقی هوش مصنوعی عام

محمدعلی عاشوری کیسمی، دکترای فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی

هدف از گفتار حاضر بررسی عاملیت اخلاقی هوش مصنوعی عام است. در بسیاری از پژوهش‌ها، عاملیت اخلاقی هوش مصنوعی در چهار دسته ۱- عوامل تاثیر اخلاقی، ۲- عوامل تاثیر اخلاقی ضمنی، ۳- عوامل تاثیر اخلاقی آشکار و ۴- عوامل اخلاقی کامل تقسیم‌بندی می‌شود. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-انتقادی سطح چهارم این دسته‌بندی یعنی عامل اخلاقی کامل با توجه به هوش مصنوعی عام مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به اینکه در این سطح، هوش مصنوعی عام توانایی‌های فراوانی به‌دست می‌آورد، نگرانی‌های اخلاقی بسیاری وجود خواهد داشت. یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت پژوهش حاضر این است که این دسته‌بندی عاملیت اخلاقی به تکرار مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته

است و می‌تواند آثار متعدد عملی را دربرداشته باشد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی عام را می‌توان در دسته عامل اخلاقی کامل در نظر داشت، اما نیازمند اصلاح در تعریف این دسته‌بندی هستیم. اگر عاملیت اخلاقی هوش مصنوعی عام با انسان‌انگاری هوش مصنوعی یکسان در نظر گرفته شود، خطرات ناشی از هوش مصنوعی عام می‌تواند افزایش پیدا کند.



امکان و نحوه تحقق تکنولوژی دینی از منظر عقلانیت نقاد

سیدمحمد تقی موحد ابطحی، استادیار پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



ایران کشوری اسلامی است که به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران حکومت آن نیز اسلامی‌شده و بر آن است تا شئون مختلف نظام را بر مبنای عقلانیت اسلامی هدایت کند و آن را به سمت تمدن نوین اسلامی به‌پیش برد. در چنین موقعیتی طبیعی است بحث درباره موضوعاتی مانند مناسبات

اسلام و فرهنگ، سیاست، اقتصاد، علم و فناوری و ... اهمیت یابد. در این مقاله دو پرسش در نسبت دین و فناوری بررسی می‌گردد: آیا تکنولوژی دینی ممکن است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ پرسش اول، چگونه باید به تکنولوژی دینی دست‌یافت؟ طبیعی است به تناسب دیدگاه‌هایی که درباره چیستی دین و فناوری وجود دارد، مناسبات این دو به اشکال مختلفی تحلیل شده و در نتیجه ممکن است پاسخ‌های متفاوتی به دو پرسش فوق داده شود. همان‌طور که در عنوان مقاله آمده است در این مطالعه از منظر عقلانیت نقاد به این دو پرسش پاسخ داده می‌شود.

عقلانیت نقاد رویکردی فلسفی است که توسط پوپر پایه‌گذاری شد و در ادامه توسط ویلیام بارتلی، ایان جاروی، جوزف آگاسی، آلن ماسگریو، دیوید میلر، استفانو گته‌ای، جان وترستن، جرمی شرومر و ... بسط و توسعه یافت. در این رویکرد علم برساخته مفهومی و نظری است که برای رفع نیاز معرفتی و شناخت واقعیت ارائه می‌گردد و معیار سنجش آن تطابق با واقع است. در مقابل فناوری برساخته‌های بشری هستند که هدف آنها ارضاء نیازهای غیرمعرفتی (مانند اتومبیل که نیاز ما به جابجایی را تأمین می‌کند) یا تسهیل در فعالیت علمی (مانند میکروسکوپ که در آزمایش‌های علمی به کار می‌رود) است و معیار سنجش آن نیز کارآمدی است. مطابق

این تعریف، فناوری‌ها منحصر به فناوری‌های سخت و مهندسی نمی‌شوند و آن دسته از برساخته‌های بشری که نیازهای غیرمعرفتی بشر را در عرصه انسانی و اجتماعی پاسخ می‌گوید (مانند نهاد تقنینی که نیاز بشر به قانون را پاسخ می‌دهد) یا فعالیت‌های علمی را تسهیل می‌کند (مانند دانشگاه و وزارت علوم و جوایز علمی و ...) در زمره فناوری‌های نرم و انسانی قرار می‌گیرند.

مطابق با این تعریف می‌توان گفت از آنجاکه بخش عمده‌ای از نیازهای آدمیان نیازهای فرهنگی هستند و دین یک رکن اصلی در فرهنگ است، آدمیان می‌توانند برای تحقق نیازهای دینی خود فناوری‌های خاصی تولید کنند یا فناوری‌های موجود را برای تأمین نیازهای دینی تغییر دهند. پس تکنولوژی دینی به معنای برساخته بشری که نیازهای دینی را برطرف می‌کند امری ممکن است. در این نگاه نمونه‌های بسیاری از تکنولوژی دینی را می‌توان مطرح کرد. از تدارک اندرونی و بیرونی در خانه‌های قدیمی و همچنین کولون‌های زنانه و مردانه بر روی درهای قدیمی تا مسجد و شورای نگهبان که هر کدام به طریقی نیازی دینی را برآورده می‌کنند. اما در زمینه چگونگی دستیابی به تکنولوژی دینی یا بهینه کردن فناوری‌های دینی موجود در پاسخ به نیازهای دینی در چهارچوب عقلانیت نقاد همان راهی را باید پیمود که برای توسعه و پیشرفت علم پیشنهاد شده است. به این شکل که تکنولوژی‌های موجود از منظر چگونگی تأمین نیازهای دینی نقادی شده، اصلاحیه‌ای در آن ایجاد شود یا تکنولوژی جدیدی ساخته شود که آن هدف را به شکل بهتری تأمین کند و به این ترتیب گام به گام تکنولوژی جدیدی پدید خواهد آمد که نسبت به تکنولوژی‌های پیشین اهداف دینی را بهتر تأمین می‌کند. در پایان مقاله به چالش‌هایی اشاره شده است که این نوع نگاه به تکنولوژی دینی به دنبال دارد.

پنل علوم اجتماعی و ارتباطات

مدیر علمی: مالک شجاعی جشقانی، استادیار گروه مطالعات میان‌فرهنگی،
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اگر تکنولوژی را صرفاً مصنوع تکنیکی و ابزار بدانیم، صرفاً با علوم مهندسی مرتبط است و دیگر علوم را راهی به آن نیست؛ اما اگر برای تکنولوژی، اقتضائات و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی قائل شویم، آنگاه برای مطالعه چنین پیامدهایی علوم مهندسی به کار نمی‌آیند و لاجرم علوم اجتماعی مدخلیت می‌یابند؛ اما این وجه حداقلی در نسبت علوم اجتماعی و تکنولوژی است. از سوی دیگر، اگر تکنولوژی را صرفاً به مثابه ابزار فهم نکنیم و به بیان دیگر «تکنولوژی نرم» (تکنولوژی به مثابه قواعد و سیستم‌های اجتماعی-تکنیکی) مدّ نظر قرار گیرد، آنگاه در نسبت میان علوم اجتماعی و تکنولوژی افق‌های نو گشوده خواهد شد که می‌توان آن را «وجه حداکثری» نامید. در این پنل تخصصی از هر دو وجه سخنرانی‌هایی ارائه شده است.

نام سخنران	عنوان
معصومه تقی‌زادگان	از نگرستن تا غوطه‌وری: مطالعه هنر دربرگیرنده دیجیتال
سعید زاهد زاهدانی	ملاحظات جامعه‌شناختی در ارتباط تکنولوژی و فرهنگ
روح الله اسلامی	تدوین برنامه بهبود: مسیری تاریخ‌مند برای انتقال تکنولوژی
محمود مختاری	آیا تکنولوژی می‌تواند مسائل اجتماعی را حل کند؟
مالک شجاعی جشقانی	هرمنوتیک «جامعه شبکه‌ای»: از روح «سرمایه داری» تا روح «اطلاعات‌گرایی»

از نگرستن تا غوطه‌وری: مطالعه هنر دربرگیرنده دیجیتال

معصومه تقی‌زادگان، استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات،
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پیوند هنر و تکنولوژی، پیوندی دیرپاست و آنچه آن را در دوره کنونی برجسته‌تر ساخته است فراگیری استفاده از تکنولوژی‌های دیجیتال و سربرآوردن عصر دیجیتال است. تکنولوژی‌های دیجیتالی چنان تغییراتی در عرصه هنر را رقم زده‌اند که سبب طرح مجدد سؤال «اما آیا این هنر است؟» شده‌اند، سؤالی که با خود تأملی در عناصر دنیای هنر و نسبت آنها با یکدیگر را در پی دارد؛ تاکنون واژه‌ها و مفاهیم بسیاری همچون «تعامل» و «مشارکت» برای توضیح و تبیین تغییرات رخ داده در عرصه هنر مطرح و به کار گرفته شده است. در تأمل پیش رو با محوریت مفهوم غوطه‌وری (Immersion) به آثار هنر دربرگیرنده (Immersive art) می‌پردازیم و به این سؤالات پاسخ می‌دهیم که غوطه‌وری در هنر چگونه عینیت می‌یابد؟ هنگامی که از تجربه غوطه‌وری صحبت می‌کنیم از چه تحولی در نسبت مخاطب و اثر صحبت می‌کنیم؟ و نهایتاً اینکه آیا غوطه‌وری تجربه‌ای یگانه و متعلق به عصر دیجیتال است یا می‌توان نسبتی میان غوطه‌وری با هنر و تکنولوژی در طول زمان یافت؟

ملاحظات جامعه‌شناختی در ارتباط تکنولوژی و فرهنگ

سعید زاهد زاهدانی، دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز



اگر تکنولوژی را به شیوه انجام امور تعریف کنیم، از خردترین فعلی که از انسان سر می‌زند تا کلان‌ترین عمل اجتماعی جوامع، برای اثرگذاری نیاز به بکارگیری شیوه‌ای از عمل دارد. به این ترتیب می‌توان گفت که تکنولوژی یا فن‌آوری در گسترده‌ترین تعریفی که از آن می‌توان داد همه شیوه‌های

انجام امور و افعال انسانی را در برمی‌گیرد. در چنین تعریف گسترده‌ای، همه فن‌آوری‌های انسانی می‌گنجد و با توجه به این که انسان‌ها در زمینه فرهنگ جامعه خود عمل می‌کنند، تکنولوژی بُعدی از خردترین تا کلان‌ترین عمل شخصی و فرهنگی هست. از آنجاکه فرهنگ‌ها از جهات مختلف با یکدیگر متفاوت می‌باشند تکنولوژی که خود یک پدیده فرهنگی است در درون هر فرهنگی شکل خاص خود را می‌گیرد. از به‌کارگیری حس، عقل و قلب به عنوان خردترین افعال در دستگاه شناخت انسان تا اداره خانواده، نهادها و مؤسسات اجتماعی، اعمال حاکمیت در جامعه تا حکومت جهانی به عنوان کلان‌ترین کار، نوعی تکنولوژی وابسته به زمینه فرهنگی وجود دارد. برای وجود هماهنگی در افعال هر جامعه، لاجرم این مجموعه وسیع فن‌آوری در هر فرهنگ نمی‌تواند از یکدیگر بیگانه بوده و باهم هماهنگ نباشد. این مقاله در یک مطالعه سندی با مراجعه به نوشته‌ها و گفته‌های صاحب‌نظران در موضوع تکنولوژی و فرهنگ به ابعاد مختلف تکنولوژی خواهد پرداخت و شروط و زیربناهای هماهنگ‌کننده آن در زمینه فرهنگی را مورد بررسی قرار خواهد داد.

تدوین برنامه بهبود: مسیری تاریخ‌مند برای انتقال تکنولوژی روح الله اسلامی، دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی

تعامل فرهنگی ایران با اروپای مدرن را می‌توان در چارچوب تدوین برنامه‌های کوتاه و بلندمدت برای انتقال و استقرار تکنولوژی جدید مفهوم‌پردازی کرد. از آنجاکه چشم‌انداز اقتباس و استقرار تکنولوژی با عقب‌مانده ارزیابی کردن جامعه ایران عجین بوده است در تدوین برنامه‌ها، تأکید بر شناسایی «وضع مطلوب» جامعه اروپایی بوده و مطالعه «وضع موجود» ایران اهمیتی ناچیز داشته است. پس کوشش برای بهبود «وضع موجود» نه از مسیر مطالعه آن بلکه از مسیر انتقال تکنولوژی و «طرح‌ریزی جدید» طی دهه‌های گذشته پیگیری شده و در این مسیر مؤلفه‌های فنی و اقتصادی برجسته اما مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی نادیده گرفته شده‌اند. شتاب تغییر تکنولوژی و سخن گفتن از نسل‌های جدید تکنولوژی، باعث شده است که موفقیت «طرح‌ریزی جدید» کاهش یافته و تنش‌های انسانی و فرهنگی ناشی از تغییر افزایش یابد. مقاله حاضر، راهبرد مطالعه «وضع موجود» با هدف «شناسایی فرصت» بهبود را برای پیوند گذشته و حال و آینده معرفی نموده و استدلال می‌کند که بهره‌گیری از تغییر تکنولوژی نه در «طرح‌ریزی جدید» بلکه برای تدوین «برنامه بهبود» می‌تواند علاوه بر دستاورد همسویی با تغییر تکنولوژی، دستاوردهای دیگر از جمله موفقیت برنامه‌های اصلاح اجتماعی و اعاده اعتبار مطالعه «وضع موجود» را به همراه داشته باشد.



آیا تکنولوژی می‌تواند مسائل اجتماعی را حل کند؟

محمود مختاری، استادیار فلسفه علم و فناوری، گروه تاریخ و فلسفه علم و فناوری، پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی



مسئله اصلی مقاله حاضر این است که آیا تکنولوژی می‌تواند مسائل اجتماعی را حل کند؟ بدیهی است که این پرسش با پیچیدگی‌هایی همراه است که پاسخگویی صفر و یکی به آن، امکان‌پذیر نیست. نینکه ترومپ (از دانشگاه صنعتی دلفت هلند) بر اساس این تحلیل

که مسائل اجتماعی عموماً ناشی از تعارض منافع/ارزش‌های شخصی و جمعی است معتقد است که از طریق «طراحی انسان‌محور» تکنولوژی می‌توان رفتارهای افراد در جامعه را به سمت ارزش‌های اجتماعی تغییر داد و بنابراین مسائل اجتماعی را حل کرد. در این مقاله ضمن طرح و بررسی این رویکرد، محدودیت‌های آن نشان داده خواهد شد. طراحی حساس به ارزش (VSD) تکنولوژی‌ها، علی‌الاصول امکان‌پذیر است ولی «راه‌حل تکنولوژیک» (Technological Fix) برای مسائل اجتماعی، که مبتنی بر «تقلیل» معضلات اجتماعی به مسائل تکنولوژیک است، گرچه نتایج مثبت و موفقیت‌هایی برای جامعه در پی دارد، حداکثر می‌تواند علائم و مظاهر مشکل اجتماعی (و نه ریشه‌های آن) را از میان بردارد. مثلاً گسترش تکنولوژی دوربین‌های مداربسته منجر به کاهش سرقت می‌شود ولی «بزه سرقت» را که معلول نابرابری یا عوامل اجتماعی پنهان دیگر است مرتفع نمی‌کند. بنابراین چه بسا تکنولوژی، «یک معضل مشخص» را از چهره اجتماع پاک کند ولی در یک نگاه کل‌گرایانه، این لزوماً منجر به کاهش «برآیند معضلات اجتماعی» نمی‌شود.

هرمنوتیک «جامعه شبکه‌ای»: از روح «سرمایه‌داری» تا روح «اطلاعات گرایی»

مالک شجاعی جشقانی، استادیار گروه مطالعات میان‌فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



مانوئل کاستلز (۱۹۴۲-) در سه گانه عصر اطلاعات (ظهور جامعه شبکه‌ای، قدرت هویت و پایان هزاره) ۱۹۹۹، هرچند وامداری خود به میراث هرمنوتیک فرهنگ نومارکسیستی (به روایت آلتوسری آن) را پنهان نمی‌کند، به بررسی تحلیلی مهم‌ترین رویدادهایی که زیست‌جهان فرهنگی انسان معاصر را

تعین بخشیده، پرداخته است. رویدادهایی نظیر انقلاب علمی-تکنولوژیک به‌ویژه تکنولوژی اطلاعات و علم ژنتیک، سقوط کمونیسم و پایان دوران جنگ سرد، صورت‌بندی‌های جدید از اقتصاد کاپیتالیستی، رخداد جهانی‌سازی (شدن)، ظهور کنشگران جدید فرهنگی-هویتی، اقتصادی، سیاسی. کلیدی‌ترین ایده کاستلز، طرح چپستی، شرایط امکانی، استلزامات و مختصات «جامعه شبکه‌ای» به‌مثابه بنیاد سرمایه‌داری متکی به اطلاعات است. جامعه شبکه‌ای در ملتقای سه فرآیند تاریخی مستقل یعنی انقلاب اطلاعات، تجدید ساختار سرمایه‌داری و اقتصاد متکی به برنامه‌ریزی متمرکز از دهه هشتاد و جنبش‌های فرهنگی دهه شصت و هفتاد (فمینیسم، محیط‌زیست و ...). کاستلز ضمن ارجاع به بحث ماکس وبر در رساله کلاسیک «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری ۱۹۰۴» از جانشین شدن «روح اطلاعات گرایی» به‌جای «روح سرمایه‌داری» در زمانه ما سخن گفته است. روح اطلاعات گرایی، خود را در «شبکه شبکه‌ها» محقق می‌کند. شبکه‌هایی نظیر شبکه‌های تکنولوژیک، شبکه‌های تجاری، شبکه‌های کارآفرینی (متأثر از جهش‌های تکنولوژیک در محیط‌های نوآوری نظیر سیلیکون ولی و ...). وی وضع معاصر را از کلیت گذشته تاریخی بشر از این حیث متمایز می‌داند که واحد بنیادین زیست‌جهان اقتصادی-فرهنگی و تکنولوژیک، نه یک سوژه (سوژه فردی مثل کارفرما یا سوژه جمعی مانند شرکت یا دولت و) بلکه شبکه و به تعبیر دقیق‌تر «شبکه شبکه‌ها» است. با این تلقی است که کاستلز به بازسازی ایده نومارکسیستی هرمنوتیک فرهنگ می‌پردازد.

پنل تکنولوژی و مطالعات میان رشته‌ای

مدیر علمی: علیرضا منجمی

دانشیار فلسفه علم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دانش‌های میان‌رشته‌ای به تناسب نیازهای جدید و تخصص‌های نوظهور، از مرزهای سنتی میان رشته‌های دانشگاهی یا مکاتب فکری گذر می‌کنند. تکنولوژی به فراخور سرشت پیچیده و چندبعدی خود موضوع مطالعه و پژوهش‌های رشته‌های مختلف علمی بوده است. چندان که برای فهم مسائل مرتبط به آن تلفیق دانش، روش و تجارب حوزه‌های علمی و تخصصی مختلف ضروری است. در این پنل موضوعات مربوط به تکنولوژی و ابعاد مختلف آن از منظر چندوجهی رشته‌های مختلف علوم انسانی بررسی شده‌اند

نام سخنران	عنوان
علیرضا منجمی	فلسفه انتقال تکنولوژی
علیرضا منصوری	نهاد به‌مثابه مصنوع اجتماعی
مرتضی جابری مقدم	نسبت هوش مصنوعی و شهرسازی معاصر
هادی ممحی	تکامل، تکنولوژی و فرهنگ
حمیدرضا نمازی	فراسوی جامعه انضباطی: تأملی نو بر تکنولوژی
غلامحسین مقدم حیدری	تکنولوژی‌های اعمال قدرت نزد فوکو

فلسفه انتقال تکنولوژی

علیرضا منجمی، دانشیار پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



در ۲۰۰ سال اخیر ناگزیر از انتقال تکنولوژی بوده‌ایم اما شگفت آنکه هیچ‌گاه این موضوع خطیر و مهم را به مسئله‌ای برای تأمل تبدیل نکردیم. این گفتار تکاپویی است و تأملی است برای نشان دادن ضرورت پرداختن به فلسفه انتقال تکنولوژی، زیرا به باور من، ما نسبت به این امر غفلت ورزیده‌ایم و در انتقال تکنولوژی فاقد

نظریه‌ای جامع و رهیافتی روشن و بسنده‌ایم. فلسفه‌های تکنولوژی موجود که در جهان غرب شکل گرفته‌اند چندان مناسب این نیاز ما نیستند چرا که یا به کاربران (users) پرداخته‌اند یا به طراحان (designers). البته انتقال تکنولوژی در غرب چندان مسئله نیست چرا که خود تولیدکننده اصلی آن هستند. این ما هستیم که انتقال تکنولوژی برایمان یک مسئله جدی است. از این رو جستجو در میان فلسفه‌های موجود و یافتن چارچوب‌هایی که مناسب فهم و چارچوب‌بندی مسئله انتقال تکنولوژی باشد یکی از بخش‌های مهم این پروژه فکری است. اگر از منظر کارل میچام به موضوع بنگریم دو دسته بزرگ فلسفه تکنولوژی وجود دارد. یکی فلسفه تکنولوژی از منظر علوم انسانی که به تکنولوژی بماهو تکنولوژی یا تکنولوژی به معنای عام آن پرداخته‌اند. به این گروه T بزرگ هم می‌گویند. دسته دوم فلسفه تکنولوژی از نظر مهندسی که بیشتر دغدغه طراحی و اخلاق مهندسی را دارند. میان این دو شکافی بزرگ وجود دارد. فلسفه تکنولوژی با رویکرد علوم انسانی از آنجاکه تکنولوژی را به مثابه امری عام می‌فهمد و در بسیاری از موارد آن را معادل جهان مدرن می‌پندارد چندان علاقه‌ای به ورود به بحث انتقال تکنولوژی نشان نمی‌دهند یا به تعبیر دقیق‌تر

ابزارهای مفهومی مناسب برای ورود به این بحث را ندارد چرا که انتقال تکنولوژی سخن گفتن از موارد (case) را می‌طلبد. پس این یکی از موانع جدی شکل نگرفتن فلسفه انتقال تکنولوژی است.

مهندسی نظرگاه ابزاری در باب تکنولوژی دارد که متضمن ارزیابی مثبتی از تکنولوژی است؛ تکنولوژی امکانات و ظرفیت‌های انسان‌ها را افزایش می‌دهد، که یکسره مطلوب به نظر می‌رسد. باین حال این پیامدهای نامطلوب اغلب به کاربران تکنولوژی نسبت داده می‌شود، نه خود تکنولوژی یا توسعه‌دهندگان آن. این بینش به عنوان بینش ابزاری نسبت تکنولوژی شناخته می‌شود و به ایده خنثی‌بودگی (neutrality) می‌انجامد. ایده «خنثی‌بودگی» از این قرار است که تکنولوژی ابزاری خنثی است که ممکن است به دست کاربران مورد استفاده خوب یا بد قرار گیرد [استعاره چاقو]. از سوی دیگر فلسفه تکنولوژی از منظر علوم انسانی طی قرن بیستم، بر نهاد خنثی‌بودگی با نقد جدی مواجه شد، به‌ویژه از جانب مارتین هایدگر و ژاک ایلول و نیز فیلسوفانی از مکتب فرانکفورت (آدورنو، هورکهایمر، مارکوزه، و هابرماس). از این رو میان این دو شکافی جدی وجود دارد. از یک مهندسان تکنولوژی را یکسره مثبت ارزیابی می‌کنند و از سوی دیگر نقدهای علوم انسانی را به عنوان مهاری بر قطار توسعه بی‌فایده و دردرساز می‌دانند.

بنابراین نگاه حاکم بر انتقال تکنولوژی که بیشتر حاصل غلبه نگاه‌های مهندسی است سبب شده است که تکنولوژی صرفاً به مثابه ابزار یا ماشین مورد توجه قرار گیرد که به سهولت قابل انتقال است. در این میان آنچه در کنار نگاه مهندسی در حوزه انتقال تکنولوژی مطرح شده است بیشتر در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری بوده است که با آنکه منکر دستاوردهای آن نیست، به راستی ناپسندیده است چرا که به جای نقد نگاه مهندسی بیشتر نوعی تطابق و سازگاری را با آن پیش گرفته است. مدل خطی از انتقال تکنولوژی یکی از انگاره‌های نادرستی است که در نگاه غالب در انتقال تکنولوژی وجود دارد. در این نگاه علوم پایه به علوم مهندسی تبدیل می‌شوند و سپس علوم مهندسی ساخت تکنولوژی‌ها را امکان‌پذیر می‌کنند. در این نگاه دانش تکنولوژیک به مثابه یک دانش ضمنی غایب است. آنچه به نظر می‌آید در بادی امر باید از میان نظریه‌های موجود در فلسفه

تکنولوژی آنچه به کار می‌آید را جستجو کرد. دیدن تکنولوژی از این منظر سبب خواهد شد که علوم انسانی بخشی تفکیک‌ناپذیر از انتقال تکنولوژی باشد. بنابراین یکی از بخش‌های مهم نظریه انتقال تکنولوژی یا فلسفه انتقال تکنولوژی از نظر من این است که چگونه می‌توان از نقش بنیادین علوم انسانی در این حوزه دفاع کرد و نشان داد که چگونه غفلت از علوم انسانی آسیب‌های جدی به کشور وارد کرده است. نظریه جامع در باب انتقال تکنولوژی، نیازمند یک کار چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای است و صرفاً فلسفه تکنولوژی نمی‌تواند از پس کار بربیاید، اما نکته آن است که فلسفه تکنولوژی می‌توان به‌عنوان هماهنگ‌کننده و ایجادکننده یک زبان مشترک میان همه حوزه‌ها عمل کند. شبکه معنایی بسیار مهمی با انتقال تکنولوژی پیوند دارند: تحریم، خودکفایی، مهندسی معکوس، و .. باید در هر نظریه‌ای در باب انتقال تکنولوژی این شبکه معنایی مد نظر قرار گیرد. آنچه به نظر می‌آید گام‌های مناسب برای درافکندن یک نظریه انتقال تکنولوژی داشته باشیم این موارد است: اول، مطالعات موردی مناسب و متنوع و گسترده، دوم، پرداختن به روش‌شناسی‌ها مناسب برای انتقال تکنولوژی و جدی گرفتن ارزشیابی تکنولوژی (Technology assessment)، تقویت پژوهش‌های علوم انسانی در حوزه‌های مختلف مرتبط.



نهاد به مثابه مصنوع اجتماعی

علیرضا منصوری، دانشیار پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



بر اساس برخی تلاش‌های انجام شده در دهه‌های اخیر در فلسفه تکنولوژی می‌توان نهادها را به تعبیری نوعی مصنوع اجتماعی یا تکنولوژی اجتماعی در نظر گرفت. دیدگاه‌های مکتب هلندی یا تحلیل‌هایی که سرل ارائه کرده‌اند در این زمینه راه‌گشا است. می‌توان از تلفیق این دیدگاه‌ها و نظریه سه‌جهان پوپر برای تبیین هستی‌شناسی نهادها استفاده کرد. نهادها ممکن است شامل هم مؤلفه فیزیکی و هم شامل طرح و نقشه و مؤلفه وابسته به حیث التفاتی جمعی داشته باشند که کارکرد را از نهاد طلب می‌کند و انتظار دارد. در میان مؤلفه‌های مختلف هستی‌شناختی نهادها، مؤلفه حیث التفاتی جمعی اهمیتی اساسی دارد و سخنران بیش از بقیه روی آن تأکید داشت. درواقع نهادها توسط حیث التفاتی جمعی ساخته می‌شوند و وجود و معنایشان به پذیرش گروه‌های اجتماعی خاص بستگی دارد. در پرتو هستی‌شناسی ارائه‌شده درباره دلایل ناکارآمدی نهادها بحث می‌شود. منشأ ناکارآمدی ممکن است ناشی از هر مشکل در هریک از مؤلفه‌های هستی‌شناختی باشد. اما نکته جالب و متمایزی که در مورد مصنوعات و در اینجا نهادها وجود دارد اهمیت نقش مؤلفه مربوط به حیث التفاتی در ناکارآمدی است. اگر مؤلفه مربوط به حیث التفاتی

نهادها دچار آسیب و تحریف شود موجب ناکارآمدی می‌شود و اصلاح آن پیچیدگی‌های خود را دارد. درواقع به‌طور ساده می‌توان گفت اگر کاربران یک تکنولوژی به هر دلیلی اعتماد و خوش‌بینی و رضایت خود را نسبت به نهادی از دست بدهند، نهاد مربوطه از نظر هستی‌شناختی و وجودی دچار تزلزل می‌شود. علوم و خصوصاً علوم انسانی از آن جهت که علم محسوب می‌شوند نقش مهمی در نقد نهادها دارند و می‌توانند با بیان محدودیت‌های واقعیت‌های انسانی (از نظر روانی و اقتصادی و ...) موجب اصلاح نهادها در جهت کاستن از رنج مردم و ایجاد رفاه شوند. برنامه‌های پژوهشی جدید در همین راستا می‌توان به‌صورت ذیل پیشنهاد کرد: اول اینکه اگر غیر از کارآمدی، اخلاقی بودن را نیز قیدی برای طراحی نهادها قرار دهیم، این قید اخلاقی بودن چگونه در هستی‌شناسی نهادها وارد می‌شود؟ دومین مسئله، شناخت زیست‌بوم‌هایی است که نهادها در آن کارآمدتر و اخلاقی‌تر رشد و تحول پیدا می‌کنند؛ آنها چه ویژگی‌هایی دارند و نحوه ایجاد آنها چگونه است؟ سوم، مسئله شناخت روش‌های تغییر و اصلاح نهادها با هزینه کمتر است (هزینه روانی، اقتصادی، انسانی).



نسبت هوش مصنوعی و شهرسازی معاصر مرتضی جابری مقدم، استادیار دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران



زمان درازی است که صنفی از جامعه که من حیث المجموع ایشان را حرفه‌مندان و دانش‌پژوهان عرصه‌ای از دانش، مشهور به «برنامه‌ریز شهرها، و یا به طراحی شهری» یا مسامحتاً «شهرسازی» می‌خوانیم، با پرسشی مبنایی و بسیار بزرگ مواجه بوده و هستند «به‌طور کلی سکونتگاه‌های بشری، چگونه کار می‌کنند و چگونه می‌توان این کارکرد را ارتقاء بخشید؟» تمام رویه‌های متکثر در امر نظریه‌پردازی و رویه‌های متعدد در حوزه اقدام و عمل شهرسازانه پیرامون این سؤال اساسی شکل گرفته و عمق یا گسترش یافته است. معمولاً تغییرات مختلف، متنوع و گاه بنیانی در حوزه‌های دیگر از قبیل سیاست، اقتصاد، فناوری و..... که به نحوی از انحاء در تغییر سبک زندگی مؤثر بوده، به فاصله اندکی و با سرعت و وسعت بسیار شکل سکونتگاه‌ها و رویه‌های شهرسازی را تحت تأثیر قرار داده است و همزمان به یکی از بسترهای مناسب برای طرح مجدد این پرسش و در مرکز توجه قرار گرفتن آن منجر شده است. در این میان دوران مدرن، بدون شک، تأثیری بزرگ و به تعبیر برخی از اندیشمندان انقطاعی شگرف را در این زمینه رقم زد. هرچند تلقی یگانه و یکدست از این تغییرات وجود نداشته و ضرورتی هم ندارد، اما بسیاری از اجزای شکلی و محتوایی شهرسازی تحت تأثیر این شرایط دچار تغییرات وسیع و محدود، سریع و

بطی، تسهیل‌کننده و مشکل‌آفرین، خوب و بد شده است. تقدم و تأخر این تغییرات با عرصه اندیشه ورزی در شهرسازی نیز وضعیت بلاتکلیفی دارد و به‌زعم این قلم چندان مهم نیست. از اقتضائات این دوران نقد و بررسی هم‌زمان این تغییرات هست که حجم قابل‌توجهی از آثار پژوهشی شهرسازی معاصر را به خود اختصاص داده است. با مروری گذرا بر این آثار می‌توان دریافت که تحقیقاً هیچ‌یک از این تغییرات متنوع و متکثر و در تمام سطوح نظر تا عمل از تیغ بی‌امان نقدهای مختلف در امان نبوده است. در مقاله حاضر موضوع IA به‌عنوان یکی از این تغییرات - و یا بستر ساز این‌گونه از تغییرات - مورد توجه قرار گرفته و ضمن تأمل در برخی از وجوه اصلی بارز آن در شهرسازی، به این مسئله توجه می‌شود که آیا این تغییرات روح اصلی شهرسازی معاصر را دچار تحول جدی خواهد نمود یا خیر؟ برای این منظور و با پیش‌فرض گرفتن سیطره شهرسازی مدرن بر رویه‌ها و محتوای شهرسازی معاصر، به این مسئله پرداخته خواهد شد که باوجود

تغییرات ناشی از هوش مصنوعی در شهرسازی و پیش‌بینی تغییرات وسیع‌تر، چگونگی کارکرد شهرها و نحوه ارتقاء آن دچار تحولات مبنایی نشده و نخواهد شد. به تعبیر رساتر رویه‌های شهرسازی مدرن در معیت هوش مصنوعی متنوع‌تر، مستحکم‌تر و ظاهراً جذاب‌تر خواهند شد و درعین حال به نظر نمی‌رسد در حل معضلات مبنایی نظام برنامه‌ریزی شهری توفیق‌چندانی داشته باشد و بعلاوه شاید بر حجم و وسعت این مشکلات در آینده بیفزاید. به نظر می‌رسد مسئله اصلی پیش روی شهرسازان این خواهد بود که با چه فهم و رویکردی به بسط یا تحدید با فرض امکان‌پذیری این مقوله بپردازیم.



تکامل، تکنولوژی و فرهنگ

هادی صمدی، استادیار فلسفه علم، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات



از منظر تکاملی چگونه می‌تواند رابطه‌ای میان تکنولوژی و فرهنگ برقرار کند. برای اینکه چنین نسبتی را برقرار کنیم یکی از راه‌هایی که به نظر می‌رسد این است که جوامع انسانی را به شکل ارگانیسم جاندار تصور کنیم. می‌توان با تسامح گفت افلاطون جوامع انسانی به شکل یک ارگان می‌دید. اما این موارد غالباً نقش استعاری داشته‌اند. هابز با ایده لویاتان و دورکیم جامعه را به‌طور استعاری به مثابه ارگان می‌دیده‌اند. اما از بیست سال گذشته، این نگاه استعاری رخت بر بسته است جامعه را واقعاً به شکل یک جاندار اجتماعی بزرگ می‌دیدند. درست مانند زنبورها که تشکیل یک کلونی می‌دهند، انسان‌ها هم تشکیل جامعه می‌دهند. برای مسئله مورد بحث ما، ابتدا باید کمی به کتاب کوین مک‌افری با عنوان رقص نوآوری: زیرساخت‌ها، نوسانات اجتماعی و تکامل جوامع پردازیم که در سال ۲۰۲۲ منتشر شد. ایده اصلی این کتاب این است که مهم‌ترین تکنولوژی‌ای که باعث شد این جاندار بزرگ شکل بگیرد زیرساخت‌ها هستند، مثل جاده‌ها و راه‌های ارتباطی. شبکه راه‌ها باعث می‌شده افرادی که در یک گروه هستند با ایده‌های جدید مواجه شوند و هم‌افزایی کنند. اگر جهان ۲ پوپر را ذهن در نظر بگیریم، نسبت آن با جامعه چیست؟ یعنی نسبت این ابرجاندار با حیث التفاتی جمعی چیست؟ ابرارگانیسم

متشکل از افراد و ساختارهاست. سطح فرهنگی، سطح بالاتر این جاندار است. اگر به سراغ تعریف تکنولوژی بریم، می‌بینیم که مصنوعات و راهکارهای تکنیکی مثل نهادها را به مثابه تکنولوژی در نظر می‌گیرند. فرهنگ را می‌توان دسته‌ای از ایده‌ها و رسوم مشترک تعریف کرد ولی برخی از اندیشمندان خود سخت‌افزارها و ابزارهای جامعه را هم جزئی از فرهنگ می‌گیرند. همان‌طور که تعریف تکنولوژی طیفی است، فرهنگ هم تعریفی طیفی دارد و برخی آن را بسط یافته در نظر می‌گیرند که شامل ابزارها هم می‌شود. در نهایت می‌توانیم بگوییم که با پیچیده‌تر شدن تعامل میان فرهنگ و تکنولوژی، به نظر می‌رسد باید از هم تکاملی تکنولوژی و فرهنگ سخن به میان آوریم. هم فرهنگ بر ساختن تکنولوژی‌های جدید مؤثر است و هم تکنولوژی فرهنگ را تغییر می‌دهد.



فراسوی جامعه انضباطی: تأملی نو بر تکنولوژی

حمیدرضا نمازی، استادیار گروه اخلاق پزشکی
دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران



در این سخنرانی تمرکزمان بر کتاب جامعه فرسودگی چول هان است. چول هان نه تعین ابزار به وسیله انسان را می‌پذیرد و نه اینکه تکنولوژی‌ها مانند ابزار کاملاً در اختیار انسان هستند. کارهای سختی که در انقلاب صنعتی اتفاق افتاد باعث مطرح شدن این مسائل در آرای جامعه‌شناسان آن زمان یعنی دورکیم و وبر و مارکس شد و به نوعی می‌توان گفت که آرای جامعه‌شناسان هر زمان تحت تأثیر تحولات اجتماعی زمانه خویش باید باشد. جرمی بنتام با ایده فایده‌گرایی یک زندانی طراحی می‌کند که با حداقل هزینه بیشترین فایده را داشته باشد. از این ایده که تعداد کم بر تعداد زیادی نظارت می‌کنند با ایده سراسرینی یاد می‌شود. فوکو از جامعه انضباطی صحبت می‌کند و می‌گوید که سوژه منقاد (سوژه‌ای که کنترل می‌شود) محور مسائل آن است و یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه انضباطی فوکو ممنوعیت است. چول هان در کتاب جامعه فرسوده اصطلاحی را مطرح می‌کند به نام روان‌سیاست. به جای ویژگی سراسرینی ابزارهای فناورانه وارد روان ما می‌شوند. دیگر آن جامعه انضباطی فوکو تبیین‌کننده اتفاقات جامعه کنونی ما نیست. امروزه خود انسان تبدیل به کارفرمای خودش شده و مفاهیمی

مانند خودمراقبتی و ... ایجادشده است. امروزه دیگر با سوژه متقاد سروکار نداریم ولی با یک سوژه موفقیت‌ساز سروکار داریم و به جامعه دستاوردها رسیده‌ایم که مدام باید بدویم و بهتر و بهتر شویم. باشگاه‌های بدن‌سازی، دفاتر کار در طبقات آخر برج‌ها، پاساژها و موارد بسیار دیگر مصادیق جامعه موفقیت‌ساز هستند که درواقع امور جامعه فرسوده هستند. چول هان توضیح می‌دهد که چندکاری امر خوبی نیست ولی جامعه دستاوردها این را خوب جلوه می‌دهد که باید چند کار را هم‌زمان انجام دهیم. علت اصلی افسردگی و فرسودگی ما این است که ما را تشویق می‌کنند که خودت باش و هر روز از دیروز بهتر شود و مصادیق این توصیه‌ها به‌وفور در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شود. در این زمانه، آدمی با خودش می‌گوید این‌همه امکان وجود دارد و من یک درصد آن را هم به دست نیآورده‌ام. در شبکه‌های اجتماعی ما آدم‌ها را ندیدیم ولی آن‌ها رقیب ما هستند و ما به آن‌ها حسادت می‌کنیم و درواقع گرفتار اضطراب آنلاین شده‌ایم. راه مقابله با این جامعه فرسوده ملال ژرف است که یک نوع پرسه‌زنی بدون هدف است. در این جهان جدید که انسان را به کسب موفقیت‌های بیشتر ترغیب می‌کنند، گاهی اوقات باید به سمت بی‌هدفی و پرسه‌زنی رفت تا مجالی برای اندیشه و رهایی از سیطره اتمسفر موجود پیدا کنیم.



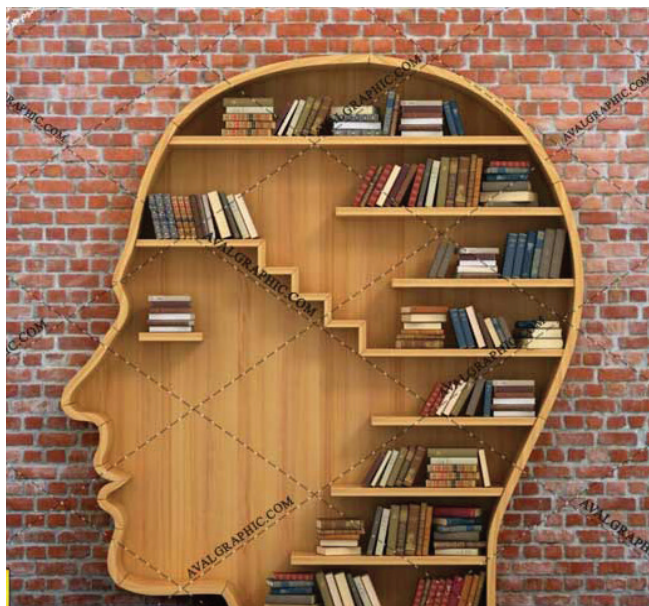
تکنولوژی‌های اعمال قدرت نزد فوکو

غلامحسین مقدم حیدری، دانشیار پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



علت اینکه به تکنولوژی‌های اعمال قدرت نزد میشل فوکو می‌پردازم این است که حداقل در ده سال گذشته بر روی فوکو کار کرده‌ام و خود وی هم همواره، مخصوصاً در کتاب‌های «تاریخ پیدایش کلینیک» و «تاریخ زندان» مرتباً از اصلاحاتی همانند تکنولوژی، تکنیک و ماشین استفاده می‌کند. وی در کتاب سه‌جلدی «تاریخ جنسیت» نیز می‌گوید چگونه جنسیت، تبدیل به ابژه انسان مدرن شد. وی در آنجا هم دائماً از تکنیک‌های خود استفاده می‌کند. البته چندان هم به تفاوت تکنولوژی، تکنیک و ماشین نمی‌پردازد. مراد از تکنولوژی نزد فوکو چیست؟ من مقاله‌ای چهار صفحه‌ای درباره جامعه‌شناسی تکنولوژی نزد فوکو دیدم که وی تکنولوژی‌های مصرف در دهه شصت میلادی و نحوه تحت تأثیر قرار گرفتن فوکو از آن تکنولوژی‌ها را بررسی کرده است لذا در همین راستا تلاش کردم نوعی بازسازی از تکنولوژی به‌مثابه ابزار و ماشین، تکنولوژی به‌مثابه قاعده و تکنولوژی به‌مثابه سیستم‌های اجتماعی و تکنیکی انجام دهم. یقیناً این کار در جاهایی، کاستی‌هایی دارد اما حداقل به‌عنوان یک تلاش می‌تواند موردتوجه قرار گیرد. منظور از تکنولوژی به‌مثابه قاعده، همان تکنولوژی نرم همانند قواعد اجتماعی است. مراد از سیستم اجتماعی و تکنیکی، مواردی همانند عناصر

اجتماعی و قوانینی است که مثلاً در مورد استفاده از لپ‌تاپ وجود دارد. بیمارستان هم یک سیستم اجتماعی و تکنولوژیک است. مجموعه کتابخانه‌های عمومی در یک شهر نیز در همین دسته قرار می‌گیرند. بنابراین سیستم‌های اجتماعی و تکنولوژیک بسیار گسترده هستند. حال سؤال این است که مراد از تکنولوژی نزد فوکو چیست؟ در سیستم اجتماعی و تکنیکی که فوکو اشاره می‌کند، تکنولوژی به معنای ماشین، ابزار و قاعده به کار رفته و همه اینها درون همین سیستم اجتماعی و تکنیکی قرار دارند. لازم به ذکر است که قدرت نزد فوکو، چندان سر ندارد و مثلاً این‌گونه نیست که یک پادشاه در رأس آن باشد و اقدام به امرونی‌کشی کند بلکه قدرتی که وی درباره‌اش صحبت می‌کند را باید به‌عنوان سیستم‌ها، نهادها، مناسبات و شبکه‌ای از اعمال نیرو بین عناصر و اجزای مختلف یک سیستم در نظر بگیریم.



پنل تاریخ تکنولوژی

مدیر علمی: حنیف قلندری، استادیار پژوهشکده تاریخ علم، دانشگاه تهران

تاریخ تکنولوژی از بررسی ساده‌ترین شکل فناوری‌های بشر اولیه تا ساخته‌های پیچیده مدرن را دربرمی‌گیرد. پرداختن به تاریخچه فناوری‌ها با رویکرد شناخت و بررسی نقاط اشتراک و ارتباط با مقولات عام انسانی در حوزه فرهنگ و ساختارهای اجتماعی هدف اصلی این پنل است. مقالات این قسمت عمدتاً به بازشناسی میراث تمدن اسلامی در حوزه تکنولوژی اختصاص یافته است.

نام سخنران	عنوان
ایرج نیک‌سرشت	بررسی ساعت آبی عبدالرحمان خازنی در کتاب میزان الحکمه
زهره اسدی	سنت تصویری سازه‌های مهندسی در تمدن و هنر اسلامی
امین متولیان	مبناات طلسمات؛ تبیین ریشه‌های فیزیکی و فرهنگی فناوری‌های خفیه

بررسی ساعت آبی عبدالرحمان خازنی در کتاب میزان الحکمه ایرج نیک سرشت، دانشیار پژوهشکده تاریخ علم، دانشگاه تهران

از مهم‌ترین دلایل توجه مسلمانان به ساخت ساعت‌های آبی استفاده گسترده از آنها در مقاصد مذهبی و علمی بوده است. مسلمانان در ابتدا مبانی و اجزای اولیه این ساعت‌ها را از تمدن یونانی اقتباس کرده و در ادامه به ارتقای ساختار این ساعت‌ها همت گماشتند. در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم تا با مطالعه آثار



مهندسان و دانشمندان برجسته دوره اسلامی در زمینه ساعت‌های آبی، از سویی اهمیت ساخت و کاربرد آنها در تمدن اسلامی را آشکار کنیم و از سویی دیگر، با بررسی سازوکار این ساعت‌ها نمایی کلی از سیر تحول ساختار آنها در ادوار مختلف تمدن اسلامی عرضه کنیم. به این ترتیب، هم به مبادی ورود این صنعت به تمدن اسلامی نگاهی اجمالی خواهیم داشت و هم تا اندازه‌ای از نوآوری‌ها و ابداعاتی که مهندسان و دانشمندان مسلمان در سیر تحول سازوکار ساعت‌های آبی داشته‌اند، آگاه خواهیم شد. لازم به ذکر است که هر یک از این موارد به‌نوبه خود، در بررسی تاریخ علم و تکنولوژی دوره اسلامی، دارای اهمیت هستند. امروزه اهمیت شخصیت علمی عبدالرحمان خازنی در گستره فیزیک، مکانیک و نجوم جهان اسلام بر همگان روشن شده است. باین‌وجود در میان پژوهش‌هایی که در مورد مهم‌ترین اثر فیزیکی و مکانیکی او، میزان الحکمه، صورت گرفته، توجه چندانی به ساعت آبی خازنی نشده است. از این‌رو، در ادامه این پژوهش، با پرداختن به شرح و توضیح مقاله هشتم از کتاب میزان الحکمه، که به ساعت آبی ابتکاری خازنی اختصاص دارد، برآنیم تا به‌طور دقیق و با در نظر گرفتن ملاحظات فنی و مبانی دانش مکانیک، این بخش از کتاب خازنی را مورد بررسی قرار دهیم.

سنت تصویری سازه‌های مهندسی در تمدن و هنر اسلامی

مریم کامیار، استادیار هنر و معماری، پژوهشکده دانشنامه‌نگاری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و زهره اسدی



در تمدن اسلامی، اختراعاتی در عرصه‌ی سازه‌های مهندسی انجام شده که بسیاری از آن‌ها با جزئیات نوشتاری و تصویری، اطلاعات تکنولوژی را ثبت کرده‌اند. در کتاب «الجامع بین العلم و العمل النافع فی صناعه الحیل» نوشته‌ی «جزری»، چندین دستگاه با سازوکار (تکنولوژی) روز معرفی شده است.

این کتاب، یک کتاب جامع نظری و عملی هست و دستگاه‌های ارائه‌شده در این کتاب از لحاظ ظاهر و کارایی متفاوت بودند. امروزه دستورالعمل‌های تصویری آن، بخشی از سنت تصویری ایران را شامل می‌شود. ضرورت و کاربرد چنین تحقیقاتی از این‌روست که آشنایی با پیشینه‌ی علمی و هنری گذشته، و شناخت سنت تصویرسازی علمی، استفاده از هنر و چگونگی آن را در سال‌های اولیه اسلامی در ایران نشان می‌دهد. همچنین انتقال هنر و تکنولوژی سریع‌تر و با سهولت و کیفیت بیشتری انجام می‌پذیرد. این پژوهش یک تحقیق توصیفی در بُعد بنیادی، به روش تطبیقی طولی و عرضی است. در این نوشته تلاش شده است آغاز سنت مصورسازی علمی و انتقال دانش، توسط تصویر را، با شرح و ارائه‌ی دستگاه‌های انتقال آب، مورد ارزیابی قرار دهد.

صناعتِ طلسمات؛ تبیین ریشه‌های فیزیکی و فرهنگی فناوری‌های خفیه

امین متولیان، استادیار پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در متون علوم خفیه (Occult science)، غالباً، هدف از کاربرد طلسمات را آمیختن قوای فعال آسمانی با قوای منفعل نهفته در عناصر چهارگانه می‌دانند تا انسان بدین وسیله به این تمکن برسد که آنچه خلاف عرف است را ظاهر کند و آنچه با عرف هماهنگ است را مانع شود. اما در باب این



هدف، دو پرسش وجود دارد؛ نخست آنکه قوای آسمانی چگونه سبب به وجود آمدن پدیده‌ها در عالم تحت قمر (عالم کون و فساد) می‌شوند و دیگر اینکه آیا طلسم یک فرایند است یا یک شیء متعین نجومی-جادویی (Astral-Magical) که نحوه ساخت آن ریشه در سنت‌های فرهنگی تمدنی دارد؟ برای مواجهه با پرسش نخست با اتکا به فیزیک (طبیعیات) رایج در دوره اسلامی، اصلی مشهور به اصل «اتصالات کواکب» و نسبت آن با قوانین علی را باید تبیین کرد و در برابر دومی با استناد به مفهوم «تمزیج» که در واقع نحوه آمیختن قوای آسمانی با عناصر خاکی را شرح می‌دهد، می‌توان چگونگی انتخاب مواد و روش‌های ساخت را در طراحی طلسمات بازگو و بررسی کرد. در این مقاله بر اساس متونی منتخب از میان رسائل علوم خفیه دوره اسلامی، سعی شده تا ضمن تبیین چارچوب طبیعیاتی (فیزیکی) حاکم بر کارکرد طلسمات و روش‌های انتخاب مواد و ساخت آنها، چگونگی تأثیر باورها و نشانه‌های فرهنگی در کاربردها نیز توصیف شود.

پنل طبی سازی

مدیر علمی: حمیدرضا نمازی، حمیدرضا نمازی استادیار گروه اخلاق پزشکی،
دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

هرگاه سخن از تکنولوژی به میان می آید بی درنگ علوم مهندسی به ذهن متبادر می شود. با آنکه نمی توان از اهمیت ارتباط علوم مهندسی و تکنولوژی چشم پوشی کرد، آنچه همواره مغفول مانده است ارتباط تکنولوژی و علوم پزشکی است. تکنولوژی چنان با پزشکی آمیخته شده و چنان شئون زندگی ما را رقم زده است که باید به بخش مهمی از تأمل ورزی در باب تکنولوژی بدل شود. این پنل به موضوع طبی سازی (medicalization) اختصاص یافته بود. طبی سازی به فرآیندی گفته می شود که موضوعاتی یا مسائلی که اساساً طبی نیستند به مشکلات پزشکی تبدیل می شوند و برای آنها راهکارهای طبی ارائه می شود. چاقی، زیبایی، پیری، شادی و بسیاری موضوعاتی دیگر از این دست هستند. پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم پژوهشگاه علوم انسانی بیش از یک دهه است که به موضوع طبی سازی از منظر فلسفی و تاریخی پرداخته است که حاصل آن انتشار کرسی های نظریه پردازی، مقالات، کتاب و چند رساله دکتری فلسفه علم و تکنولوژی است که گزارش برخی از این پژوهش ها در همین پنل ارائه شد.

نام سخنران	عنوان
محسن خادمی	بازسازی و بررسی دیدگاه فوکو در باب طبی سازی
امین حبیبی	مواجهه بالینی در عصر تکنولوژی از گویی پزشکی به صفحه نمایش
امیرحسن موسوی	طبی سازی در لباس طبی زدایی؛ موردکاوی طب سنتی ایران

بازسازی و بررسی دیدگاه فوکو در باب طبی سازی

محسن خادمی، دانشجوی دکترای فلسفه علم و تکنولوژی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



میشل فوکو (۱۹۸۴-۱۹۲۶)، از تأثیرگذارترین متفکران قرن بیستم، گرچه در زمره فیلسوفان پزشکی به شمار نمی آید، اما تأملات انتقادی اش در زمینه پزشکی او را به یکی از مهم ترین منتقدان پزشکی و طبی سازی بدل کرده است. فوکو در مشهورترین اثر خود «تاریخ جنون» (۱۹۶۴)، نگرش غرب به جنون را از قرون وسطی تا دوران مدرن بررسی می کند و به طبی سازی جنون به عنوان نوعی بیماری روانی می تازد، و نشان می دهد که چگونه جنون توسط ساختارهای قدرت ساخته شده است. اما منظور فوکو از طبی سازی چیست؟ او منظور خود را در دهه ۱۹۷۰ در یک سخنرانی در دانشگاه برزیل به تفصیل بیان می کند و طبق رویه همیشگی خود، و برخلاف منتقدان رسمی طبی سازی قرن بیستم، این فرآیند را در بافت و بستر تاریخی اش مورد بررسی قرار می دهد. فوکو در بررسی های تاریخی خود، سیر تحول معنایی طبی سازی را در دو مرحله (یا دو معنا) مورد تحلیل و تأمل قرار می دهد.

مطابق دیدگاه او، نخستین مرحله طبی سازی که از آغاز قرن ۱۸ تا پایان قرن ۱۹ رخ داد، عمدتاً ناظر به طبی سازی جامعه (دولت، شهر و فقر)، و طبی سازی نوانخانه ها بود که همگی در راستای بهداشتی سازی (hygienization) ضروری شهرهای اروپا صورت گرفت.

فوکو نشان می‌دهد که چگونه در این مرحله، ابتدا دولت، سپس شهر، و در نهایت مردم (و خصوصاً فقرا)، و البته نهاد مهمی به نام «نوانخانه» (hospital) به ابژه پزشکی تبدیل شدند. در همین مرحله بود که «پزشکی بالینی» به محاق رفت و رفته‌رفته «پزشکی اجتماعی» و «پزشکی بیمارستانی» (hospital medicine) متولد گشت. اما مرحله دوم، «طبی‌سازی نامحدود» بود که از پایان قرن ۱۹ آغاز گردید و تا به امروز دائماً در حال بسط و تسری به حوزه‌های مختلف است.

در واقع در این مرحله، پزشکی این قدرت را یافت که وضعیت‌ها، رفتارها و تجربیات نامتعارف انسانی که قبلاً بخشی از تنوع طبیعی رفتار انسانی تلقی می‌شدند را به‌عنوان مشکلات پزشکی تعریف و برچسب‌گذاری کند. این فرآیند طبی‌سازی به پزشکی اجازه داد تا بر تمام زندگی انسان کنترل داشته باشد و بر طبقه‌بندی و نرمال‌سازی افراد اعمال قدرت کند. با این سیطره قدرت دیگر هیچ رویدادی در زندگی انسان وجود نخواهد داشت که از طریق رابطه بدن و پزشکی قابل توصیف نباشد. یعنی امروزه دیگر امکان توصیف رفتار و تجربیات انسانی که به‌نوعی از دل دانش پزشکی نمی‌گذرد وجود ندارد.

ما در بخش اول و دوم این مقاله، با بازسازی دیدگاه فوکو در مورد سیر تاریخ تحول طبی‌سازی نشان می‌دهیم که چگونه در قرن هجدهم و نوزدهم «پزشکی بالینی» رفته‌رفته جای خود را به «پزشکی اجتماعی» و «پزشکی بیمارستانی» داد و زمینه را برای «طبی‌سازی نامحدود» در قرن بیستم فراهم کرد. در بخش سوم، به تعریف و تبعات «طبی‌سازی نامحدود» از منظر فوکو می‌پردازیم، و در بخش چهارم دیدگاه فوکو را با سایر منتقدان رسمی طبی‌سازی مقایسه می‌کنیم و نشان می‌دهیم که به چه معنا فوکو طبی‌سازی را شکلی از زیست‌قدرت می‌داند که در آن قدرت در قالب استراتژی‌های مختلف برای کنترل و تنظیم افراد و جمعیت‌ها اعمال می‌شود.

مواجهه بالینی در عصر تکنولوژی از گویی پزشکی به صفحه‌نمایش

امین حبیبی، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی هوشمند



این مقاله با بررسی اهمیت سواد فناوری در آموزش پزشکی معاصر که با پیشرفت‌های فزاینده فناوری همراه است، به بحث چالش‌ها و دیدگاه‌های متعادل‌کننده در این زمینه می‌پردازد. با توجه به تکیه‌گاه شدن فناوری در تشخیص، درمان و آموزش پزشکی، جایگاه سواد فناوری در برنامه‌های درسی پزشکی نیز اهمیت

بسیاری پیدا کرده است. مطالعه حاضر با روش گستره پژوهی آرکسی و اُمالی انجام گرفت. مطالعات منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی در محدوده زمانی سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳ در چهار پایگاه داده PubMed، Scopus، Web of Science و Google Scholar جستجو شد. کلمات کلیدی «آموزش پزشکی»، «سواد فناوری»، «تسلط فن‌آوری»، «فلسفه فن‌آوری»، «فناوری‌های نوین»، «تحول در یادگیری»، «عصر دیجیتال» جستجو شد. بعد از ارزیابی مطالعات بر اساس چکیده و تمام متن، ۱۴ مقاله وارد فرایند پژوهش شد. در تحلیل نهایی، نتایج مطالعه چالش‌های متنوعی را نشان می‌دهد. از جمله مهم‌ترین آن‌ها: کاهش احتمالی تجربه بالینی مستقیم با بیماران به دلیل استفاده بیش‌ازحد از تکنولوژی. تأثیر منفی محتمل بر توسعه مهارت شهود و قضاوت بالینی پزشکان با اتکای بیش‌ازحد به تشخیص‌های ماشینی. تهدید حریم خصوصی و امنیت اطلاعات بیماران با افزایش داده‌های پزشکی دیجیتال. تجاری‌سازی و کالایی شدن بخش آموزش پزشکی و دسترسی مالی محور به خدمات درمانی. خطر فاصله گرفتن آموزش پزشکی از رویکرد انسان‌محور و تعاملی. ازاین‌رو با وجود امکانات فراوانی که فناوری در اختیار پزشکی قرار می‌دهد، باید به پیامدهای احتمالی آن نیز توجه کرد. دستیابی به توازن مناسب میان اهمیت دادن به سواد فناوری و جنبه‌های کارآمد بالینی و انسان‌مدارانه پزشکی در آموزش متخصصان ضروری به نظر می‌رسد.

طبی سازی در لباس طبی زدایی؛ مورد کاوی طب سنتی ایران

امیرحسین موسوی، دکترای فلسفه علم و تکنولوژی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



هدف از روندهای طبی سازی، گسترش، پیشروی و نفوذ پزشکی در ساحت‌ها و حوزه‌های جدیدی از زندگی انسان است که پیش از این بخشی از پزشکی نبوده‌اند و این امر عموماً در لباس و به بهانه ارتقای سلامت صورت می‌گیرد. طبی سازی جامعه‌شناختی در اواسط قرن بیستم توسط جامعه‌شناسان و در قالب مفهومی انتقادی به پزشکی مدرن یا پزشکی مبتنی بر زیست-پزشکی صورت‌بندی شد. به زعم مبدعان اولیه‌ی مفهوم طبی سازی، گویی این تنها پزشکی مدرن در جوامع کاپیتالیستی است که پزشکی را به نوعی ابزار کنترل و تسلط اجتماعی تبدیل می‌کند. بسیاری از طب‌های مکمل و جایگزین از جمله طب سنتی ایران نیز منتقد پزشکی مدرن هستند از این جهت که به زعم آن‌ها پزشکی مدرن از تکنولوژی‌های سخت و تهاجمی بهره می‌گیرد، در درمان بیماری‌ها تقلیل‌گرایی زیست‌شناختی انجام می‌دهد و مبتنی بر داروهای شیمیایی و صنعتی است. در اینجا است که طب سنتی ایران و بخش بزرگی از طب‌های مکمل و جایگزین با ادبیات رایج طبی سازی هم‌صدا می‌شوند و نوعی هدف مشترک، که همان نقد پزشکی مدرن و همین‌طور محدودسازی قدرت سیاسی و اجتماعی آن است، دستور کار هر دو می‌شود. پس از آن رویکردهای مکمل و جایگزین (یا یکپارچه) با تأکید بر جنبه‌های غیرتکنولوژیک یا به اصطلاح طبیعی درمان‌های خود و همچنین

تأکید بر ارتقای سلامت بجای درمان بیماری برای خود نقشی طبی‌زدایانه قائل می‌شوند. در این مقاله نشان داده‌ام که بسیاری از نقدهای باورمندان طب‌های مکمل بر پزشکی مدرن بر خود طب‌های مکمل به طریق اولی وارد است و برخلاف نظر رایج واضعان اولیه طبی‌سازی، این انتقادات تنها بر پزشکی مدرن وارد نیست. چه‌بسا به این دلیل که تمرکز طب سنتی ایران بر مفهوم سلامت و حفظه‌الصحه است و همین‌طور در طب اسلامی یا انواع طب‌های معنوی شرقی، به دلیل مرتبط دانستن بیماری و سلامت با سایر ساحت‌های معنوی و روحانی انسان‌ها، فضا برای نفوذ پزشکی به سایر ساحت‌های زندگی انسان بسی فراخ‌تر است. در نتیجه طب‌های مکمل ممکن است به حالت‌های جدیدی از طبی‌سازی در لباس طبی‌زدایی و با سویه‌هایی آسیب‌زاتر منجر شوند. ادبیات رایج طبی‌سازی نیاز به اصلاحی جدی دارد چرا که بیش از آنکه بر روندهای طبی‌سازی تمرکز کند بر پزشکان و نفوذ نهاد پزشکی مدرن تأکید کرده است و این تلقی منجر به غفلت از طبی‌سازی‌هایی می‌شود که توسط گروهی به‌جز پزشکان مدرن انجام می‌شود؛ از آرایشگران تا عطاری‌ها و درمان‌گران سنتی و جایگزین. روندهایی که در ظاهر به طبی‌زدایی از پزشکی مدرن می‌پردازند اما خود انواع جدیدی از طبی‌سازی را بازتولید می‌کنند، فرآیندهایی که ذیل دو مفهوم پیرا طبی‌سازی و کمیزیشن (CAMization) توصیف شده است. در ادامه و با ارائه مثال‌های تاریخی نشان داده‌شده است که طب سنتی ایران به‌عنوان یکی از نمونه‌های طب‌های مکمل و جایگزین به طرز وسیعی مستعد طبی‌سازی است و به‌طور تاریخی در بسیاری از زمینه‌ها و ساحت‌های گسترده و متنوع انسانی حضور و درباره آن‌ها توصیه‌های طبی داشته است؛ از عشق تا وقت سفر. زمینه‌هایی که حتی تا امروز هم در سیطره پزشکی مدرن قرار نگرفته است. در نتیجه قرائت رایج بسیاری از جامعه‌شناسان پزشکی از طبی‌سازی که این پدیده را موضوعی منحصر به جامعه و نهادهای پزشکی مدرن، جوامع غربی و یک صدسال اخیر می‌دانند، مورد مناقشه است و این تلقی می‌تواند خود سویه‌های آسیب‌زا و غیرکنترل شده‌ای از طبی‌سازی را تقویت کند.



پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم با همکاری سازمان‌ها و نهادهای علمی کشور برگزار می‌کند:

همایش ملی

تکنولوژی و فرهنگ: تأملات انتقادی با رویکردهای فلسفی-تاریخی



تاریخ همایش: ۱۶ و ۱۷ دی‌ماه ۱۴۰۲

محورهای همایش:

زیست دینی	سلامت و طبی‌سازی
آفرینش هنری	زیست‌شهری و معماری
سواد تکنولوژی	زیست‌سیاست و روان‌سیاست
آموزش مجازی	هوش مصنوعی و آینده انسان
انتقال تکنولوژی	تاریخ تکنولوژی در تمدن اسلامی



اطلاعات بیشتر و راهنمای شرکت در همایش: ihcs.ac.ir/tnc/fa

مقاله‌های این همایش ملی در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه خواهد شد. مقالات برگزیده پس از طی مراحل داوری در مجلات فلسفه علم و پژوهش‌های علم و دین منتشر خواهد شد.

تهران- بزرگراه کردستان- نیش خیابان دکتر صادق آئینه‌وند (۶۴ غری)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



Institute for Humanities
and Cultural Studies